دورهٔ امانی

نگرشی بر اوضاع سیاسی اجتماعی و فرهنگی

کاندید اکادمیسین دکتور اسدالله حبیب

کابل ۱۳۶۸ هجری شمسی

دورهٔ امانی

نگرشی بر اوضاع سیاسی، اجتماعی وفرهنگی

نشر کردهٔ مرکز زبانها وادبیات اکادمی علوم جمهوری افغانستان

کاندید اکادمیسین دکتور اسدالله حبیب

کابل ۱۳۶۸ هجری شمسی

نام کتاب	دورهٔ امانی
نویسنده	کاندید اکادمسین دکتور اسدالله حبیب
تیراژ	۲۰۰۰
ناشر	اکادمی علوم ج.ا
سال	۱۳۶۸
محل طبع	مطبعه دولتی

فهرست عناوین

سرسخن

چند سالی پیش ازین ،بنا بـــرضرورت وظیفه، یعنی تدریس‌ادبیات معاصر دری جراید ومجله های‌نیمه‌اول سدهٔ بیستم را ورق میزدم. در راستای نمونه گـزینی ونقل ویـادداشت، مطالبی راجع به وضع اداره وسیاست وفرهنگ که در تـوضیح‌مسایل کار آمد بود یا موادی برای مقدمه بررسی ادبی فراهم میساخت‌نیز توجهم را جلب مینمود که یـا د داشت برمیداشتم .

سر انجام مقداری معلومـــات دربارهٔ وجوه گوناگون دوره امانی گرد آمد که چندی از یك الماری به‌دیگری‌جابه‌جا میشد ومشغولیت ها فرصت رسیده‌گی به آن نمیداد .

اخیراً یاد داشتهای مذ کور را ازنظر گذراندم وبه اندیشه یی افتادم که تلفیق وتألیف آنها در شکـــل‌رساله‌یی عاری از سودمندی نخواهد بود، باآن وصف که بعض مآخذ ا زقلم مانده اکنون دور از دسترســـ قرار داشت ومراجعه دو باره میسرنبود .

پیرامون موضوعاتیکه درین رساله‌سخن رفته است، در مقاله ها وکتب تاریخی مطالب پراگنده میتوان یافت‌اما نگارنده مستقیماً از جرایـــد نظامنامه ها ودگرنشریه های آن‌دوره‌استفاده نموده است وآنرا مرجـــع پنداشته است .

به این سوال که امکان ارائه آن‌بعید نمیباشد باید از قبل پـــاسخ گفت که هر چند مطبوعات نمیتوانندحرفی جز آنچه باید برزبان آوردااما در دوره امانی رسم چنان بود کــــه‌اخبار رخداد های کوچك وبزرگ با دقت وامانت داری در نشریه هـــای‌مرکز وولایات انعکاس یابد ومی‌یافت

واز ینرو باز تاب مسایل را در آینه‌جراید آن روز گار به روشنی میتوان دید.

همچنان در کنار«امان افغان»نشریه های مخالفی چون«حبیب‌الاسلام» «وشایعات‌باطنه شاه‌مخلوه»وغیره نیز مطمح نظر نگارنده بوده است تا از خط حقایق به این‌یاآن‌سو لغز شی صورت نگیرد.

تالیف ونگارش فصول این دفتربرمبنای هدفی صورت گرفته است که بربرگهای آن تصویری‌از زنده‌گی‌لایه‌ها وطبقات‌گوناگون‌مردم وسیمای شخص امیر را بتوان مشاهده‌نمود.

امیر امان‌الله در تاریخ کشور مایگانه پادشاهیست‌که بیش‌از همه‌دربارة اش ضد ونقیض سخن گفته اندومیان نویسنده گان موافق ومخالف وی فاصله های زیاد یست ومخالفان اقدامات وی همیشه بیشتراند.

به نظر من یگانه دلیل این وضع‌اینست که‌امیرموصوف مانند‌اسلاف خویش همه مساعی را برای برانداختن رقبای سلطنت صرف ننمود بلکه از حلقه حفظ قدرت برون‌جست‌وبه‌کار های بزرگی مانند استرداد استقلال ترقی وپیشرفت کشوررشد علوم وفرهنگ وفراهم آوری رفاه مدنی معاصر برای مردم دست‌یازید.

اقدامات وی هم باعادت دیرینه‌جوامع عنعنی شرقی برابر نبود وهم به چشم دول غربی غیر عادی‌وخشن‌می‌آمد وشجاعت واطمینان وعشق داغ او به پیروزی آرمانهایش‌بدون‌شك كينه انگیز بود.

در حالیکه‌هرگز قصد بزرگداشت‌وآرایش رخداد هارا ندارم نمیتوانم فراموش نمایم که برای امیر امان‌الله‌نیز نمونه های ستم وبیداد ومعامله باانگلیس وجود داشت وآن راه هادر تاریخ کشور ما کوبیده تر و هموار تر بود تاسنگلاخی که او برگزید وسلطنت رابر سر آن‌گذاشت.

از اینکه‌این‌رساله بنا برفشرده‌گی‌مطالب سیمای مغشوشی از دوره مورد نظر را ارائه خواهد نمودمشوشم واز خواننده گان محترم پوزش طلب مینمایم.

کاندید اکادمسین‌دکتوراسدالله‌حبیب
کابل ۱۳٦٨

افغانستان در آغاز سدهٔ بیستم

در دوا م سدهٔ نزدهم و تا سال ۱۹۱۹ که مرد م افغانستان باسومین ستیزهٔ پیروزمند استعما ربر تانوی را شکست دادند و به آزادی کامل سیاسی دست یافتند امرا ی کشور به میل و یا اکراه در گره پیما ن ها یی بااستعمار بسته بودند و آن پیمانها بقا ی قدر ت را در هیچ دستی ضما نت نمی کرد ودراصل قفلی برای دروازه شما ل غربی هند بود و سنگ ی فراپا ی مرد م ما که نمی توانستند به آزادی و به خواست خود راه زنده گی را بـر گزینند و آزادانه در مسیر تر قی کشو رگام بر دارند .

دست استعمار در آن سا لها با مقدرا ت افغانستا ن بازی هـــای آشنا کی کرد ، تاحد تجا وزهای مسلحانه سالها ی ۱۸۳۸ و ۱۸۳۹ و ۱۸۷۸ و ۱۸۷۹ که در تاریخ به نام جنگها ی او ل ودو م افغان وانگلیس نا میده شده است. اقشا ر وطبقات باشنده این مر ز بو م در آن نبرد های دفاعی برای آزاد کرد ن هرو جب زمین بهتر ین فرزندا ن خود را از دست دادند .

در آغاز سدهٔ بیستم که زیر تاثیر اصلاحات اقتصاد ی زما ن امیـــر شیرعلی وامیر عبدالر حمن پویایی د رسطح روشنفکر تازهٔ سر بـــر

آورده بوجود آمده بود ـ با اثـــر پذیری از انقلابات دموکرا تیـــک کشور ها ی‌همسایه و نااستواری‌مکرر در بار ها در برابر مدا خله وتجاوز های استعما ر و خودسری‌های امرا درکار کشور داری سرـ شت حکومت هاتوجه روشنفکرا ن‌نورسیدهٔ نماینده سر ما یداری را بخود خواند .

امیر حبیب الله با اثر پذیری ازآراء روشنفکرا ن زما ن خـــود به اصلاحات روبنایی دست یازید .درسا ل ۱۳۲۲ مکتب حبیبیه‌رااساس نهاد. این مکتب که درتاسیس‌آن‌مساعی وتشویق روشنفکرا ن‌آزادی خواه وترقی طلبی چون مولـــوی‌عبدالرب پسر مولو ی عبدالرو ف ملای حضور ، مولوی محمد سرورمتخلص به واصف پسر مو لو ی احمد جانخان الکوزی، ملاسعدالدین قاضی القضات ودوکتور عبدالغنی ومولو ی نجف عــلی دانشمندا ن‌هندی سزاوار یاد کرد است ،پسان هاکانون تلاش های آزادیخوا هانه‌گردید وبسیار ی جنبش هـــای سیاسی از آن جابر خاســت . درعهد امیر حبیب الله‌دربخش‌آبادی کشور کار هایی صور ت گر فت‌پل‌هاو جاده هایی ساخته شد .تلفون وموتر درهمان زمان به زنده گــی‌جامعه افغانی وارد گردید . امـور مراسلات تنظیم یافت و به‌تاسیس‌موسسات خیر یه تو جه گما شــته شـد، مثلا باری امیردربا غ ار گــک نمایشگاه آثار عکاسی خود را با ز کردو خواست که‌تماشا کننده گان‌از آن آثار بخرند و پو ل بد ست آمده‌در گشایش یتیم خانه یی به‌مصر ف برسد .(۱)

در امور مملکت داری القا ب وعناوینی چو ن امین المکا تیـب ـ اشیك اقاسی ملکی اشیك اقاســی نظامی ،سرکردهٔ دارالعدا لت‌حضور ودیگر ، در اسناد مربوط بــــه‌آن‌دورهٔ به‌نظر میخورد اما اصـــل آن است که تما م کارها ی‌ادارهٔ‌کشوردرکف اراده شخص امیر بود ،و ی خود یا گاهی با استشاره از مصاحبین ویاورا ن خویش تصمیــــم میگرفت .

درباز پسین سالهای نخســتین‌دههٔ امار ت امیر حبیب الله مولوی عبدالرو ف ملای حضور (متو لــددر ۱۲٦۷ هـ. ق.ومتـــو فـــــی در

۱۳۲۳) که در دربار ضیاءالملةبود ودر آنوقت کتا بی هـــم بـــه نا م ((کلما ت امیر البلادفی ترغیب‌الی الجهاد)) تالیف کرده‌بود (۲) پیشنهادی در یازده بند به‌سردارعبدالقدوس اعتماد الدو له سپردو باآن امتیا ز نشر جریدۀیی را بنام((سراج الاخبار افغــانستان)) در خواست کرد. این اقدا م معنــا ی‌گــشو د ن ر ا ه پیــگار آشــکارا با پایگاه های استعمار در داخـــل‌وتلاش سپردن قـــدرت به دست قانون را داشت . جمعیت پیشں تاز((انجمن سرا ج الاخبار)) در سر مقاله نخستین شماره جر یده کــه‌آخرین هم بود، هد ف ها ی‌خویش را چنین برشمرد :((. . .. با یدفرزانگا ن داخلی علاقۀ مملــکت از اطوار و آراء اهل عالم‌وبلندی‌ایشان‌از حضیض ضعف وپستی ووحشت وز یر دستی به او ج مر تبه نا زونعمت واقتدار و سلطنت وو سعت تدریجی منافع وممالك و رفعت‌روزافزو ن مداخل ومسالك در بحر و کـ ره‌خا ك آگا هی یابند ... عز م‌تکمیل قواعد تمد ن بشـــــر ی و تحسین‌ قوانین معیشـ ت‌و تزئیـی‌مصا حبت ومعاشر ت ایشا ن جزم گردد)). این هد ف ها د رنظرامیرزیا ن آور نیامد وبنابر آن بـــــه انجمن اجازه دادکه به‌نشر جر یده‌بپردازد .

روز پنجشنبه ۱۱ جوزا ی‌سا ل‌۱۹۰٦ م نخستین شمارۀ جر ید ه چا پ شد و اما دریغ‌که از چا پ‌شماره های بعد ی جلو گــیر ی کردند . ((سرا ج الاخبار افغا ــنستان)) ١٦ صفحـــه داشت وقرار بود در هر پـــانـــزده روز نشرشوداعضا ی انجمن که نشر اخبار رابه عهده داشتند عبار ت بودند از :

۱ ــ مو لوی عبدالرو ف مد یروموسس .

۲ ــ مولو ی نجف علی نائـــب‌مدیر .

۳ ــ مولو ی محمد سروروا‌صف‌پسر احمد جا ن الکوزی محرر .

٤ ــ غلا م نقشبند خان حاجــی‌باشی ترجما ن ترکی .

٥ ــ منشی حافظ حیدر علیخان‌متمم .

٦ ــ عبدالرحما ن بیگــــــك وعبدالرحیم بیگ تر جما نا ن‌ترکی.

۷ ـ میرزا غلا م قـادر خا ن ومیرزا محمد اسحا ق خان کا تبا ن کاپی نویس .

۸ ـ قاری نیك‌محمد مصحح . باقطع نشر جریده اعضا ی((انجمن سراج الاخبار) دست از تلاشـــی‌نکشیدند و جمعیت مشرو طـــه خواها ن را که بنا م ((اخـــوان‌افغان)) یا دمـــی شدسا زمـــان بخشیدند و به کوشش هـــا ی‌پنهانی دست بردند . تکاپوی سه ساله مشرو طه خواها ن نما ینده‌گا ن دسته های مختلف اجتما عی ر ادر حلقه جمعیت کشاند‌تا آنکه‌درسا ل۱۹۰۹ م امر انحلال جمعیت داده شد واکثر اعضا ی برازنده‌آن‌زندانی شدند و تعدادی هم محکو م به عدا م گردیدند .

کسانیکه بعد از یکی دو سا ل‌از زندا ن رهاشدند وآنا نیکه‌اصلا به چنگ نیامده بودند با جوانانی‌تازه د م مبارزه را ادامه دادند. این دومین مرحله کارو یاتشکل مجدد((اخوان افغان)) در آثار شـــر ق شناسان شوروی به نا م((جوانان‌افغان)) یاد شده‌است و من هـــم د رمقاله های خوداین اصطلاح رابه‌کـار برده ام . (۳)

با انتشار یافتن ((جر یده‌سراج‌الاخبار افغانیه))در سا ل ۱۹۱۱که امتیا ز نشر آنرا محمود طـــر زی(متولد در ۱۸٦۵و متو فـــی در ۱۹۳۳) از امیر حبیب الله حا صل‌کرد جمعیت ((اخوان افـــغا ن)) وسیله یی برای پخش عقا ید خودبدست آورد مگر مبارزا ت مخفـی همچنا ن ادامه داشت . جمعـــیت((اخوان افغان)) از حلقه هـــای ده نفر ی تشکیل شده بود که یـــك‌حلـقـه اعضای حلـــقه د یـــگر راخوب نمی شناخت .بنا به گفـــته‌میرسید قاسم خا ن که یکی‌ازچهره های درخشا ن جمعیت بود سر دارعبدالر حمن خان عضو هیئت‌مدیره حزب وراهبر یکی از حلقه ها ی‌ده‌نفری باعین الدو له شهزا ده‌امان‌ـ الله‌خا ن دوستی نزدیك داشت که‌به عقیده میرسید قاسم خان ،امان الله خان عضو حلقه سردار مذکوربوده‌اســـت .

در سا ل ۱۹۱۸ سوء قصدعلیه‌امیر حبیب الل ه، عبدالر حمن‌افغان

وشماری دیگر را به زندا ن برد.در آن جمله عبدالهادی پریشـــا ن داوی نیز مد تی محبوس شد .به‌قول خود داوی در واقع بنا بـــر نشر مخمس ((بدنبود))درســـراج‌الاخبار امیر ازوی دل آزرده داشت ویاد داشت داده‌بود که :((پریشان‌کیست گرفتار شود)) (٤)

در سا ل ۱۹۱۹ امیر حبیب الله‌درشکار گاه کله گوش به‌قتل‌رسید وامارت به فر زند ش عین‌الدو له‌امان الله که‌در زما ن فوت پـــدر نیابت اورا درکابل به عهده‌داشت‌انتقا ل یافت .

یاد داشت ها :

۱ – ((دارالیتاما))، سـراج‌الاخبار ، شماره ٤،سال ۱ (۳۰ عقرب ۱۲۹۰) .

۲ – ((یك خساره تا سف آورعلمی...))، سراج الاخبار افغانیه، شمارهٔ ۲سال ٥(۲۰ سنبله۱۲۹٤)،ص ٦

۳– تاثیر افکار سید جمال‌الدین افغانی ، عرفان (فوق‌العاده)، ۳۱ ثور ۱۳٥٦

٤ – شرح پنجاه سال‌زنده‌گی‌داوی ، به قلم داوی ، مربوط کتابخانه شخصی موصوف .

اصلاحات سیاسی و اداری امیر امان‌الله

بر تخت نشستن امان الله بـه‌معنا ی به قدر ت رسید ن(اخـوان افغان) بود. مشرو طه خوا هـــان بلافاصله رها شدند واکثر شـــان به‌کار های مهم‌اداری‌مقرر گردیدند. تاج محمد بلو چ حاکم دولت آبا د مزارشریف مقرر شد . میر زمـان‌الدین وا لی کابل شد و قا ضـــی عبدالحق سلیما ن خیل را معلـــم‌مکتب حبیبیه مقرر نمودند و کاکا سید احمد در عهد امیر امان اللـه‌سه وظیفه رادر عین حا ل اجـراء میکرد :

آمریت مکاتب ابتدائیه ،تدریس‌در غند شا هی واستخبا رات‌وزارت حربیه ، مولو ی محمد حسن مدیرمکتب حبیبیه مقرر شد و مو لو ی عبدالواسع پسر مو لو ی‌عبدالروف‌ملای حضور ، بعداز چند ی رئیس انجمن مر که پشتو مقرر گردید .عبدالرحما ن افغا ن بعداز زنـدان مدتی امان افغان رانشر میکـرد وبعد عضو هیئت سیاسی درسفارت فوق العاده افغانستا ن در اتحـادشوروی وبعد عضو مجلس قا نون گذاری (قانون اساسی) شد و بـه‌حیث رئیس گمر ك کابل، رئیس بلدیه قند هار ، وسر منشی‌حضورنیز کار کردو مد تی هم رئیســـ

بلد یه کابل بود تا آنکه حبیب‌الله‌کلکانی اورا به زندان افگند و در سا ل ۱۹۳۰ کشته شد. سـر دارعبدالرحما ن که پس از مدت کمی ا ززندا ن رها یی یافته بود درعهدامان‌الله چند ماهی نا ظر معا ر ف بود وسفیر افغانستا ن درهند شدو بعد معین اول وزار ت خار جـه مقرر گردید . درسا ل ۱۳۰۲رئیس‌تنظیمه فراه شد که پس از سـه سا ل ازآن وظیفه استعفاء نمود .غلا م محمد مصور را غر ض‌تحصیل به‌الما ن فرستادند و در باز گشت‌مدیر مکتب رسامی مقررشد و بـه پروفیسور غلا م محمد شهرت‌یافت‌ودرسا ل ۱۳۰۷ از طر فـو کیـل سلطنت نشا ن (سـتور) به و ی‌اعطاء گردید .

عبدالهادی پریشا ن داو ی کـه‌رو ح ؛ رتلاش جمعیت(اخوان‌افغان) بود به سر محرری امان افغـا ن‌مستشار ی وزار ت خارجـه و نخستین وزار ت مختار افغا نی درلند ن ، وزار ت تجار ت وسفارت رسید ومعاو ن هیئا ت صلـح‌میسوری بود و چو ن‌عضومهمترین هیئت های سیاسی افغا نستا ن بانماینده‌گا ن کشور های مختلف به مذاکره نشست . امیراما ن اللـه‌حصو ل استقلا ل افغانستـا ن را شـ رط اول پادشا هی خود قـرا رداد و دریکی ازبیانیه هایش‌گفت: ((اول بر همه شمار عا یای‌صادقانه‌ملت نجیبه خود این را اعـلان و بشارت مید هم که من تا ج‌سلطنت‌اسلامیه افغانیه رابـه‌نا م استقلال و حا کمیت داخلی و خار جـی‌افغانستا ن بسر نهـاده ا م)) (۱) امیر اما ن الله بااین شعار براریکه‌اما رت تکیه کرد .

اعضای ((اخوا ن افغا ن)) درهرجا که بودند اراده های مـرد م را بسیج کردند ودرهما ن سال۱۹۱۹آتش جنگ بر ضد استعما ر در تنگه خیبر شعله ور گـردید .منا ـسبا ت دو لت های افغانسـتان وبرتانیه قطع شد و در کـابـل‌نخستین مظاهره در تا ریخ کشور براه افتاد . شاگردا ن مکتب‌حبیبیه‌ومکا تب شهر با صف های‌وسیع دکاندارا ن ، پیشه ورا ن و دیگـراصنا ف مرد م شهر بافر یاد های ((مرده باد انگلیس)) ، و ((زنده‌باد افغانستا ن مستقل!)) از جا ده بزرگ مراد خانی که در آن‌منز ل‌سفیر انگلیس قرار داشت‌گذشتند

انگلیس ها سر دار عبدالرحمن سفیر افغانستا ن را از دهلی با افراد خانواده اش به پایگاه نظامی اشغالی دکه انتقا ل دادند و تمام اسناد سفار ت افغانی در دهلی واورا ق واسناد نماینده گا ن افغا ـ نستا ن رادر پشاور ضبط کردند ،مگر افغانستا ن بعمل مشا به دست نزد . انگلیس ها زیر فشا رآتش آزادی خواها ن باسفیر نظر بند افغانی توسط قو ماندانی خود دردکه با ب مذاکره را کشو دند .دولت افغانستا ن متار که را مشرو طه به آنکه دو لت برتانیه استقلال افغا ـ نستان رابه رسمیت بشنا سد ،پذیرفت . ودراثر مکاتبه ها قراربر آن شد که تا امضا ی معا هده رسمی باید سپاه افغانی بیست میل ازسرحد کشور عقب بروند . با وصف مخالفت ملیو ن جبهه ، و قوماندانها ی محا ذ های قند هارو پکتیا، این شر ط عملی شدومتارکه به تاریخ سو م جون ۱۹۱۹ اعلان گردید و بروز یکشنبه پانزده حمل (۲۰ مار چ ۱۹۲۰) محمودطرزی ناظر خارجه وقت به حیث رئیس صلح و عبدالهادی دا و ی مامور سر حدا ت به حیث معاو نو غلا م محمد خا ن ناظر تجار ت وپیرمحمد کرنیل ونر نجن داس و عبدالو ها ب طرزی باسه چهارنفردیگر عاز م میسور ی دیره دو ن هن دشدند تابا نما ینده گان برتانیه معاهده صلح را تنظیم وامضا ء کنند .

این دومین هیئت صلح بود.هیئت نخستین بریاست سر دار علی احمد به راو لپند ی فر ستاده شد. رئیس هیئت بر تا نو ی سر هملتن گرانت بود .دانشمندمحتر م داوی در زنده گی نا مه خود می نو یسند که درآغا ز من هم عضو هیئت مذکور بود م ،امابنابر مخالفت بانظر یا ت رئیس هیئت از عضو یت استعفاء نمود م. در نتیجه مذاکرا ت نخستین متار که تثبیت شد . اما استقلال افغانستان را حکو مت برتانیه بر سمیت نشناخت . تلاش های هیئت دومین نیز ثمر نداد و تنها در سا ل دیگرهیئتی تحت ریاست سر هنر ی دا بس سکرتر خا رجه هند، به افغانستا ن آمد و بعد ازمذا کرات نه ما هه معا هده ۱۹۲۱ امضا ءشد که به اساس آن برتانیه افغانستان ر اکشور مستقل شناخت .

مقارن اینایام در اروپامسئاله کنفرانس صلح و تجزیه امپراطوری اسلامی عثمانی مطرح بودودر کشورهای مسلمان موضوع سرنوشت خلافت اسلامی ناآرامی‌های زیادی را در میان مردم به وجود آورده بود .

در گذشته ،گاهیکه در جریان نخستین جنگ جهانی بنابر جنگ ترکیه وایتالیه وترکیه وبالقان سوال اتحاد کشور های اسلامی در میان مسلمانان به گر می‌مطرح بحث قرار داشت((اخوان افغان)) و ((سراج الاخبار افغانیه)) نقش رهبری را به عهده داشتند و در این دوره نیز افغانستان آزاد درسر صف مبارزه به خاطر منافع کشور های مسلمان که اکثر ستم استعمار رامی کشیدند پا فشاری میکرد و بدینصورت طرف احترام همه کشور های اسلامی قرارداشت امیر امان الله در مراسم نخستین سال روز وفات پدر ش (۱۹دلو سال ۱۲۹۸ـ ۱۹۲۰م) ضمن بیانیه یی گفت :((دول اروپایی خواهند خلافت اسلام نباشد . هر چنـدامریکا رسما خود را از این میانه کشیده است و فرانس هم اظهار اختلاف میکند . مایقین کرده نمی توانیم که دولت انگریز چنین اراده داشته باشد زیرا دوستی افغانستان را آرزو منداست ودوستی افغانستان هر گز دراین صورت ممکن نیست جای خوشیست که هندوستانی ها تماما به شدت برمساله خلافت ایستاده اند .))

ودر اخیر امیر شعار داد که !((امان الله برای دادن جان خوددر راه اسلام همیشه حاضراست!))(۲)

حکومت افغانستان برای پذیرش مهاجرین هندی نظامنامه یی در هشت فقره ترتیب نمود که براساس آن مهاجرین می‌بایست حین ورود به افغانستان ازسرحد تذکره تابعیت اخذنمایند .

برای مرد مجرد با لغ اعطای شش جریب زمین و برای زن دار هشت جریب وعده داده شده بودکه تارسیدن محصول به فی نفر کبیر پنج سیر ، پایینتر از سن بلوغ به فی نفر سه سیر آردجیره داده میشد . ووقت رسیدن حاصل جیره مذکور قطع میگردید .زمین

های مها جرین تاسه سا ل از مالیه‌معا ف بود. هندوا ن مها جرهرگاه میخواستند شا مل کار های‌سیا سی شوند می با یست ازحکومت افغانستا ن دستور بگیر ند وآنان حق‌داشتند مانند دیگر اتباع افغانستا ن به ملازمت دولت بپردازندتا ماه جو لای ۱۹۲۰ سر طا ن ۱۲۹۹ ـ ۱۷۱ نفر مها جر واردکابل گردیدند وشماره سی‌وشش سا ل او ل امان افغا ن از ورودچهل هزار مها جر به کابل خبرمی دهد . جبل السرا ج نخستین‌اقا مت گاه مها جرین تعیین شده‌بود.

درسا ل های بعد از ۱۹۱۹چندین پیما ن بین کشور ها ی اتحادشوروی ، ترکیه ، افغانستان‌وایرا ن انعقاد یافت و بد ینصورت شبکه یی‌ازپیمان ها در خا ورمیانه‌بوجود آمد که وضع تما م این‌کشور ها را استوار ترساخت .

پیما ن ترکیه و افغا نستان	۱۹ فبروری ۱۹۲۱
شوروی وتر کیه	۱۷ دسمبر۱۹۲۵
ترکیه وایرا ن	۲۲ اپریل ۱۹۲۶
شوروی وافغانستا ن	۳۱ اگست۱۹۲۶
شوروی وایران	اول اکتوبر ۱۹۲۷
ایران و افغانستا ن	۲۸ نو مبر ۱۹۷۲

(۳)

وعلاوه بران حکو مت امانی باسویس ، مصر و فنلیند و جمهور یت لیتوا نی نیز روا بطدوستی برقرار نمود و بنا بران با اطمینان بیشتر بر نامه‌اصلاحات‌داخلی را به میدان عمل کشیده نخستین قانون اساسی را ساخت‌تشکیلات اداری را اصلاح کرد وبه تدوین نظامنامه ها اقدام نمود .طر حهای قانون را شورا ی‌دو لت تدقیق میکرد و از طریق مجلس‌وزراء به صحه شاه میر سا ند و علاوه بران رسیده‌گی به بود جه‌دولت ومقاو لات و معا هدا ت با کشور ها ی خار ج نیز ازوظا یف‌شورا ی دولت بوده ، شورا ی دولت عبار ت ازهما ن‌مجلس‌اعیان‌زمان امیر حبیب الله بود که بعد

دارالشوری نامیده میشد وپس درسال ۱۹۱۹ با تعویض نام مجلس شورای خاص نامیده شد وبعد ازان بنام شورای دولت مسمی گردید . شورای دولت شامل اعضای انتصابی دولت واعضای انتخابی ملت به تناسب مساوی بود . درسال ۱۳۰۷ (۱۹۲۸) شورای دولت بهشورای ملی تبدیل شد و برای انتخابات وکلای شورای ملی قانون انتخابات وضع شدکه درسومین لویه جرگه توسط غلام صدیق سر منشی بهحضور وکلاقرائتشد(٤)در ولایات و حکومت های درجه اول ،دوم وسوم وعلاقداری هانیز مجالس مشوره متشکل از اعضای طبیعی(مامورین دولت) واعضای برگزیده ملت به تعداد مساوی وجودداشت. وظیفه واختیارات شورای دولت ومجالس مشوره و لایات توسطمواد سی و نه تا چهل و نه قانون اساسی و ((نظامنامه تشکیلات اساسیه)) مشخص شده بود .

در آغاز این دوره دهسا له به تنظیم قوای اجرائیه توجه زیادی شد . دوایر نظارت (وزارتخانه ها)به این تفصیل بوجود آمد :

۱ ـ دائره نظارت عدلیه ،ناظر عدلیه محمدابراهیم و مقرآن عین-العمارت بود وظائف نظارت عدلیه چنین تعیین شدهبود : ((همه دعوا هائیکه به محاکمات یعنی دعوای زن گرفتن وزن دادن متعلق باشدوهمه دعوا هاییکه به ملك ومال قرض گرفتن وخرید و فروش وامثال آن متعلق باشند در این دائره مطلق بهاحکام شرع شریف فیصله میشود » .(٥)

۲ ـ دائره نظارت حربیه ،ناظرحربیه صالح محمد سپهسالاردرجه اول ، مقرآن قصر قومی باغ بودوهمه امور نظامی به آن نظارت تعلق داشت .

۳ ـ دائره نظارت خارجه کـه ناظرآن محمود بیك طرزی و مقرآن بیت الشوری بود .

٤ ـ دائره نظارت معارف ،ناظرآن عبدالحبیب و مقرآن شهرآرا ء بود .

۵ ـ دائره نظار ت مالیه، نا ظرآ نمیرزا محمود نائب سا لار ملکی ومقرآن با غمهمانخانه بود.

٦ ـ دائره نظار ت تجــار ت ،ناظر غلا م محمد ومقرآن با غمهمان خانه بود .

۷ ـ دائره نظارت نقــلیا ت ـ ناظر آن عبدالقادر ومقر آن اصطبل عامره بوده .

۸ ـ دائره نظارت زراعت نا ظرعلیجان ومقرآن محکمه سابقهٔ مراد خانی بود .

۹ ـ دائره صدارت عظمی ـ این دائره مرجع همه دوائر بدو ن دائره نظار ت حربیه بود که نظارت هــاموری را که از صلاحیت شان بالاتر بودبه اتفا ق صدراعظم به حضو ر شاه پیش میکردند و عهده مقا م صدار ت به سر دار عبدالقدو س اعتمادالدو له سپرده شده بود . در سا ل های بعد اساساً و ظیفــــه صدراعظم رانیز خود شاه ایفا عمی کرد. درماه میزان سال ۱۹۲۸ شاه درمحفل بزرگی که درآن ما مور ین لشکری وکشوری وشا گــــر دا ن مکاتب دعوت شده بودند ،ازمسافرت خود در اروپا گزارش مفصلی ایرادکر دومرامها ی خود را دربارهٔ آتیه مملکت تو ضیح نمود این تو ضیحات چهار رو ز ادامه یا فت .درروزچهارم حین صحبت بر موضو ع صدارت اعلا م داشت که برا ی وظیفــــه صدار ت اصلا شیراحمد خان رئیس شوری درنظر گرفته شده بود اما بنابه عشقیکه به خدمت و طــــن داشت خود عهده دار وظیفه صدارت نیز گردید . دیگران پذیر فتند اماعبدالرحما ن افغا ن مدیر گــمر ك کابل آنرا تائید نکرد و گفت : امیر که خود را پادشاه انقلابی مینا مــد بهتراست در کار تشکیل اداره نیزانقلابی بیا ورد و رئیســـ الوزراء را تعیین نماید . اما شاه نبذیرفت ودیگر حاضر ین نیز از ارادهٔ شـــاه پیرو ی کرد ند .(٦)

امیر روز چهار شنبه ۱۸ جوزای سا ل ۱۳۰۰ (۱۹۲۱ م) در مرا سم روز او ل عید ،در قصرسلطنتی ،در دونسخه از نظا منا مه اساسیه تشکیل دولتی)) و ((نظامنامه تقسیم ولایات)) راکه ((بامداد فکر وصا و

مساعی جمیله خویش برای رفا ه رعایا ی صدا قت کیشی ذات شاهانه خودساخته و طبع فرموده بود بــه وزراء و سفرا اهداء کرد. »(۷)

مطابق ((نظامنامه تقسیم ولایات)) افغانستا ن تقسیم می شد به ولایات ،حکو مت ها ا علی ، حکو مــــت های کلان ودرجه یك ،درجه دو م، ودر جه سو م وعلاقداری هــا ودهکده ها .ولایا ت پنجگانه افغا ــ نستان عبار ت بود از کابل،قندهار هرات، ترکستان ، وولایت قطغن و بدخشان .درهما ن روز عید بــــه مناسبت چا پ وتوزیع نظا منا مه ها امیر سخنرانی گر م وپرازصمیمیت وتکاندهنده یی ایراد کرد وگفت : درسابق هرگاه حاکمی رامیپرسیدی کـ ه چرا فلان کاری راکرده است . پاسخ میداد که به خیالم چنیــــن گذشته وباز خواست شده نمــی توانست زیرا دستور العملی وجود نداشت ،اما حالا هیچ کار دار تـا سپهسالار صا حب که الحمد لله امروز بسیار صاحب اعتبار است یك شخص رابدو ن یك محا کمــه وحکم نظامنامه یك چوب زده و یا یك ساعت حبس کرده نمیتوا ند ـحتی خود من بدون یك محاکمه یك چوب نخواهم زد ویك ساعت حبس نخواهم کرد. همه شما حر هستید آزاد هستید . بقاعده شریعت رفتار کرده مطابق امر آلهی آزادانه زنده گی کنید . (۸)

برای تنظیم قوهٔ قضائیه دو جلد کتا ب ((تمسك القضات اما نیه)) تدوین شد ونظا منامه های مربوط قضاوت ومحاکم اختیارا ت قضا ت استفاده جو وخود سر را محــدود ساخت .

امان افغا ن مینویسد که :

((این تحدد اختیا را ت قضا ت وجلوگیر ی آنان از فعال مایشائی هگنامه یی در دما غ های آنان تولید نموده بعضی ملانماها را تحر یك نمودند که تعیین جزا قبل از وقوع وتعزیر بالمال که در نظامنـــا مه جزایی عمومی در ج است خلا ف شر ع است . این تحریك تدریجاً کسب وسعت نموده و همان بودکه درسنه ۱۳۰۲ غایله سمت جنوبی را سبب گردید . ودرموقعیکه لو یــه جرگه دو م (سال ۱۳۰۳) انعـــقاد یافت ملانماها فرصت یافته بالغا ی تعیین جزاو تعزیر بالما ل و عـفـو

مجر م باظهور آثار تو به و صلاح‌ازاو رای دادند ، وراى شـان در جرگه صورت اکثر یت یافت‌چونکه‌اعضای جرگه دو م عمو ما واکثرا مرکب از مفت خورا ن ومتسلطین‌و متنفذین اعنی ... بود که نـوعاً طالب اقتدار وقوهٔ ظلم‌انه....)) وچون حکو مت دریافت که از را ه استد لال نمی شو دوکلا را قانـع‌ساخت تقا ضا هارا پذیر فت امـا به زود ی نا امنی و مظالم درسراسر کشور تا آنجارسید که در جر گه سمت جنو بی تعیین جزاء واد خا ل بالما ل در نظامنامه جزاء را مرد م پذیرفتند و همان بود که در لو یه‌جرگه سو م (سا ل ۱۳۰۷) تمـا م مواد لغو شده به شمول آن‌دو ماده‌مورد تایید اکثر وکلا قرار گرفت و تصویب شد . واین تصویب‌بازنگ‌خطری بود برای قضا ت خود سرو همان بودکه ملا عبدالرحما ن بیگ‌توتی رئیس محکمه تمیز همراه پیر خود محمد صادق (حضرت‌شوربازار) باچند نفر از خانواده خود به‌سمت جنوبی رفته وآنجا بنا م دفاع‌از دین‌به فتنه انگیزی آ غا کـر د ند .(۹)

در زمستا ن سا ل ۱۳۰۱ نخستین‌لویه جر گه درجلال آباد دایر شدو نخستین قانون اساسی افغانستان((نظا منا مه اساسی دو لت علیـه افغانستان)) در مجلس قرائـت گردید وهشتصد و هفتاد و دو نفر نمایندهٔ مجلس آنراتایید و امضاءنمودند . نظا منامه مذکور بعدا در سا ل ۱۳۰۳در دو مین لویه جرگه‌منعقدهٔ پغمان نیز قرائت شدوبدو ن تغییر وتعدیل تصویب شد .

قانون اساسی امانی تقا ضا ی‌مشروطه خواها ن رابر آورده نمـی ساخت . آنا ن میخواستند که‌کابینه‌نزد مجلس شورا ی ملی مسوول باشد حا لانکه مادهٔ (بیست‌وپنـج)قانون اساسی حکم میکرد که :((در افغانستا ن وظیفهٔ ادارهٔ حکو مـت‌مفوض است به هیئات وزراء وادارهٔ مستقله درحین اجتماع هیئات‌وزراءریاست مجلس را ذات ملوکا نـه ایفا ء مینما یند ...» (۱۰)به ایـن‌صور ت هیئات وزراء عملا تحـت ریاست شخص شاه کارمی کرد وشاه طبق ماده (٦)قانون اسا سی‌از مسوولیت بری بود .

باوصف آنکه در قانو ن اساسی‌امانی آزادی فـردی مادهٔ (۹) و

مصونیت آن از هرگونه تعرضـــ ماده (۱۰) وماده (۱٦)و مصونیت مسکن ماده (۲۰) وغیره وعده داده‌شده بود شماری از مشروطـــه خواهان به آن با نا امیدی مـــــی نگریستند . کاکاسید احمدمبـارز آتشین راه مشروطیت به رفقا یش میگفت :

((طرز حکومتی را که ما و شمامیخواستیم نشد . پس بیا یید که حکومــــت جمهــوری را پیشبیند ا ز یم .»(۱۱)

قانون اساسی و شیوه حکومتاعلیحضرت امان الله در صفوف (اخوان افغـــان) انشعـــاب‌آورد وسازما ن بدو بخش تقسیم‌شـــد . گروهی طرفدار یك پروگرا م‌معتدل‌عصر ی وبز عم خود شان بــرابـر با اوضا ع آن روز افغانستا ن‌بودندکه‌از جمله این اشخاص را میتوان نا م‌برد :

۱ ـ میر سید قاسم (رئیس)

۲ ـ عبدالهادی پریشان داوی

۳ ـ عبدالحسین عزیز

٤ ـ عبدالجبار

٥ ـ فتح محمد

٦ ـ سید هاشم برادر میرسیدقاسم

۷ ـ سید غلا م حیدر پسرمحمدسرور مشهور به شاه پاچا .

۸ ـ غلا م محی‌الدین افغا ن

۹ ـ محمد ابراهیم چنداو لی

۱۰ ـ مولوی صالح محمد

۱۱ ـ محمد سعید قند هاری

۱۲ ـ محب الله بو ت دوزکابل

۱۳ ـ حاجی عبدالعزیز (لنگـــرزمین)

١٤ ـ فقیر محمد پنجشیری

۱٥ ـ غلا م رضا رحمت مشهوربه‌ترجمان

۱٦ ـ غلا م حیدر رحمانی

۱۷ ـ محمد بشیر ایوبی

۱۸ ـ فیض محمد ناصری

گروه دیگر هر چند ظاهراً شاهی‌مشروطه راتائید می‌کردند و لی در خفا طرفدار جمهور یت بودندوبعضی‌از آنان نظا م شاهی رابر ضد منافع اکثریت مرد م می شنا ختند وامـا برای کرسی ریاست جمهور ی به عقیدهٔ شا ن جز شخص‌امان اللـــه‌شخصیت شایسته یافته نمی شد . درجمله اعضای این گروه با ایـن نامها برمیخوریم :

۱ ـ عبدالرحمان لودین
۲ ـ میر غلا م محمد غبار
۳ ـ تاج‌محمد پغمانی
٤ ـ محمد انور بسمل
٥ ـ میرزامحمد سعید قندهاری
٦ ـ حافظ عبدالقیوم .
۷ ـ غلا م محی الدین شیر آرتی
۸ ـ سعدالدین
۹ ـ میرزا نوراحمد کابلی
۱۰ ـ فیض‌محمد بارو ت ســازماشین خانه
۱۱ ـ میرزامحمد اسمعیل
۱۲ ـ غلا م جیلانی اعظمی
۱۳ ـ عبداللطیف کند کمشر .
۱٤ ـ سلطان محمد (هندومسلمان)
۱۵ ـ میرزا عبدالرحما ن کابلی

این اختلافا ت میان دو سکتـــر (اخوان افغان) وقتی شدید شد که شورش های داخلی او ضا ع‌مملکت‌را نا آرا م ساخت ه‌بود و مشرو طه خواها ن هرگز فر صت نیافتندگامی بسوی حل اختلافات بردارند .

امیراما ن الله درسالها ی اخیر پادشاهی به‌تشکیل حزبی معتقدشده بودکه ازنو عی مساوا ت اقتصاد ی باحفظ اصو ل اسلامی در مملکـت طرفدار ی کند . ودر روز چهار م ارائه گزارش مسافر ت خو یش‌در اروپا وبیا ن مرامهای خود دربارهٔ آینده امور مملکت آرزوی خو یش

را در بارهٔ تشکیل حزب چنین بیان‌کرد: ((برای پیشبرد امور مملکت بهترین وسیله اساسی این است‌که‌اشخاصیکه مملکت را اداره میکنند بلکه سایر افراد ملت با هم هما هنگ باشند . واین مسئاله زما نی صور ت میگیرد که وحد ت فر قه‌یی‌بین عمو م افراد مملکـ ت‌پیدا شود لهذاباید که فرقه متحد برو ی کارآید ...»(۱۲)و بعد امیر ضمـن توضیحا ت گفت که مرد م ما حیـن‌مریضی هاپنجهٔ آهنین رابر سینه‌می آویزند واین‌هما ن پنجه‌جوگیست‌که‌هندوهاآنرا تقدیس میکنند واساس آن در فر هنگ‌ما و جود ندارد:به جا ی پنجه جو گی باید به‌اصول اسلامی توجه کرد . دین مقـدس‌اسلا م انحصار سرمایه رابه چندنفر نمیخوا هد . دین ما طر فدارتوزیع‌سرمایه به شکل عادلانه آن است‌و خیرات وصد قا ت وزکوه تنها این‌معنی را دارد که‌سر مایه تقسیم‌شود ویکی سیرودیگر ی گرسنه نماند ودراخیر گفت : ((...نظامنامه ایـن فـ رقه پیشـ شماست اما عر ض‌می‌کنم که‌ممکن است این فرقه وسعت پیدا کندوبااین نظامنامه‌اکتفاءنشود.البته وقتی که حز ب‌تشکیل شد در این قانون تغییرا ت رونما خوا هدشدو روز تشکیل حزب درآینـده اعلان خوا هد شد ». (۱۳)

وامیر درسخنرانی خود حـزب‌مذکور را (حزب استقلال وترقی) نامید .

یاد داشت ها :

۱ ـ ((اشتهار پادشاهی)) ،امان‌افغان ،شمارهٔ اول سا ل او ل (۱۲ اپریل سا ل ۱۹۱۹).

۲ ـ امان افغان ،شماره یك سال‌او ل

۳ ـ جواهر لعل نهرو ، نگا هی‌به تاریخ جهان ،ترجمه‌محمودتفضلی، بخش سو م ، انتشارا ت امیــــرکبیر ،ص ۱٦٦٤

٤ ـ همان اثر، هما ن صفحه

٥ ـ اصلاحات تشکیل دوایر ،امان‌افغان ،شماره ۳ سا ل او ل

٦ ـ یـ لك‌منظرهٔ شیرین ترقیا ت‌آتیهٔ وطن ،امان افغان ، شماره ٤٠. سال نهم (میزان سا ل ۱۳۰۷)

۷ ـ امان افغان ، شمارهٔ ۲سال۲ (جوزای ۱۳۰۰) ونظامنامه ها که از شمارهٔ پنج سال دو م امان افغان‌پیوسته به نشر رسیده است.

۸ ـ امان افغان،همان‌سال،همان‌شماره .

۹ ـ ((خیانت ملی)) ، امان‌افغان،سال نهم ،شماره ۳۷ (۱٦سنبله سال ۱۳۰۷)

۱۰ ـ نظامهٔ اساسی دو لت‌علیه‌افغانستا ن ،طلوع افــــغان ، ۱۸ سرطان، سا ل ۱۳۰۲

۱۱ ـ به‌قو ل جناب عبدالهادی‌داوی .

۱۲ـ یك منظره شیرین ... امان‌افغان شماره ٤٠ سال ۹

۱۳ـ همانجا

اصلاحات اجتماعی

حکو مت امانی به مسئاله‌و حدت‌ملی توجه جد ی‌داشت و تحقـــق یافتن آنرا بسته با پیکاربر ضـــدهر گو نه تبعیض .میدا نســـت. در بیا نـات ا مسیر ا مان ا للـــ، تـــو جه بـــه ز ند ه گی‌پرحرمان طبقات زیرستم کشور بیشتر دیده‌میشود. وی‌دریکی از سخنرانی ها یش گفته‌بود: ((اگرشماملت‌درست‌غور کنید خواهید دانست‌که‌نظامات موجوده برای منفعت شخصی خان‌وملك وکدا م خاندان مخصو ص وحکو مت ومامورین وشهزاده هاودیگر اعزه نیست بلکه درتما م‌آنها رفاه وآبادی وآسوده حالی غر یب‌ترین وعاجز ترین طبقه ملت ما زیر نظرگرفته شده‌است .تاآنهاازز‌یران‌فشار و تکالیفیکه سابق از عـــهده سلطنت من عاجز بالای‌آن بیچارگا ن‌که صدا وندای شا ن بجایی‌رسیده نمی‌توانست بود کاملا مرفو ع‌گشته‌دست آنهاییکه چنگا ل های خونین خودرابجان وگوشت آن مظلو مین‌همواره فرو برده وخو ن شانرامی جوشیدند‌کوتاه شود !)) (۱)

تادورهٔ امانی هنود مقیم‌افغانستان‌از نگاه حقو ق اجتماعی محرو متر از دیگر مرد مان‌بود ند.با درك‌تمایل‌دولت بسوی تامین عدالت اجتماعی آنان عریضه یی به‌شاه تقد یم‌کردند‌که‌حاوی این تقاضاها بود :

۱ ــ چون بعض اشخاص بعض‌هندوها را جبراً مسلمان می سازند امیداست دراین باب امر فرمایندکه من بعد حکام دقت کنند .
۲ ــ در معاملات دینی مثل‌میراث‌ونکاح‌اجازه داده شود که به قرار حکم (دهرم شاستر) خود مافیصله کنیم.
۳ ــ زنهای هندو از رفتن‌بـــه‌زیارت منع‌استند . امیدکه مرحمت همایونی اجازه بدهد که آزادانه‌به‌زیارت خود بروند .
٤ ــ عبادت خانه های ما اگـــرویران شوند اجازه مرحمت‌شودکه به قرارسابق آباد کرده‌بتوانیم.
٥ ــ اگر کدام گاو از ما مردم‌مریض شود ما حسب مذهب خود آنرا ذبح نمیکنیم ــ بلکه میگذاریم‌که‌خود بمیرد .بعض مردم دردهات این را ممر خود ساخته نمی‌گذارندکه سقط شود . امیداست که آنها تنبیه شوند تاهندوها به عـــذاب‌نباشند .
٦ ــ در خصوص دستار ودریشی قبل از این ممانعت هاموجود بوده چون قشقه تفریق‌هندو را ازمسلمان میکند امید است که این ممانعت معاف باشد .
۷ ــ امید است برای اهل‌هنوداجازه داده‌شود که درهر جا یـــی بخواهند زمین خریده بتوا نـــند .
۸ ــ امیداست که محصولات‌دفتری برابر مسلمانان گر فـــته وغیره از هندوان به قرار قوانیـــن‌شود.
۹ ــ وقتیکه یك زن مسلمان می‌شود به‌مرد اوهم تکلیف میکنندکه مسلمان شود. واگر مرد مسلمان‌شود زن اورا هم مجبور میکنند که مسلمان شود. امیداست آن نفری‌تنبیه شوند تا چنین نکنند .
۱۰ ــ هرگاه هندو پسری که‌پدراوحیات باشد وبرضای خـــود مسلمان شود نامبرده اختیار مـــال‌خود را دارد که به‌قرار ثبوت‌همراه خود ببرد . امیداست‌که مال پدرومادروغیره را مال اوگفـــته به او ندهند که‌حق ندارد.
۱۱ ــ بعض هندو ها که مسلمان می‌شوند بنا حق دعوی میراث‌کرده ازبرادران دیگرخود حق می طلبند.امید است حکام دراین باب دقت

کنند که اضافه طلبی واضافه گیری نکنند .

۱۲ ـ هر هندو یی که بخواهد ا زداخل افغانستا ن به خـــار جواز خارج به داخل رفت وآمد کند امیــد است آزادانه اجازه داده شود .

۱۳ ـ وقتیکه خانه یك هندورادزد بزند امید است که مثل خانهٔ مسلمان آنرا محاکم عدلیه تحقیــق کنند.

۱٤ ـ چون مدارس کلان برای کل اهل هنود دارالسلطنه کابل مقرر از طرف دولت شده است که هر کس از ما مرد م پسران خود را مقرر کند که تاعلم دینی خود رادیگر علم ها را درس گرفته صاحب علم شوند. این هم از نوازش پادشاهست امید میکنیم که حکمی نباشد . هر گاه بعضی کسب پدری خود را بکنند مختار باشد)) .(۲)

ودر جواب تقاضا ها ی مذکـور فرمان پادشاه بااین متن صـــادر گردید :

۱ ـ امراسد ت که هیچکســی ازهنود را مجبور به مسلما نی نکند. واگر ثابت شد که درحق اوشاهدی ناحق کسی داده بود از شاهد مذکور مبلغ پنجصد روپیه جر م گر فـــته سه سا ل حبس شود .

۲ ـ منظور است .

۳ ـ اجازه است آزادانه بهــر جاییکه میخواهند بروند .

٤ ـ اجازه است هر وقتد هر م سالهای شما و یران شود به قرار سابق آبادکنید .

٥ ـ امر اسد ت بعد از این کسی غرضدار نباشد وبگذارند که خود بمیرد . اگر کسی دراین با ب جبر کرده بود یکصد روپیه جر یمــه گرفته شود .

٦ ـ درست است . هر قســم دستار ودریشی که می پو شنــد بپوشند .

۷ ـ درست است هر هندو یی که از تبعهٔ دو لت افغانستان است بهرجا که بخوا هد زمین خریده می تواند .

۸ ـ درباب محصولات وغیره برابر مسلمانان گرفته شود .

۹ ـ درست است اگر مرد یازن بر ضای خود مسلمان شود شوهر باعیال اورا مجبور نکنند .

۱۰ ـ درست است باید کمال دقت دراین باب اجراء شود که حق تلفی نشود وبا قربای او مضرت نرسد .

۱۱ ـ اگر پدر وبرادر های اوفوت شده بود وبعدازآن یکی ازآنها مسلمان شود ومال پدر تقسیم نشده باشد باصول ترکه شرعی با ید حصه اوگرفته شود . واگر پیش ازفوت شدن پدر یکی ازپسر هایش مسلمان شده بود وبعداز آن پدرش مسلمان شده بود وبعداز آن پدرش فوت شد حق میراث را ندارد..

۱۲ ـ درست است حسب قواعدمرور تماما آزادانه بیایند وبرو ند ودر داخل افغانستان دیوان نر نجنداس و کلانتر های هندو ها ضمانت وباخبری آنهارا بکنند .

۱۳ ـ امر است که تماماً مثل حقوق مسلمانها مال ها و حقوق هندو هارا محاکم سرکاری غمخواری کنند نه تنها درباب مال دزدی بلکه درجمیع دعوی ها حقوق شان به عدالت ومساوات تحقیق کرده شود.

۱٤ ـ هیچ ترقی دنیا بدون علم نمیشود . اگر چه میدانم که بعداز چندسال شما پشیمان خواهید شد . بازهم چون خواهش شمادرین است بدون رضای شما در مکتب های عسکری وملکی حکمی گرفته نمی شوند .

علاوه برآن امتیازات ذیل ازطرف حکومت برای رعایای صادقانه دولت علیه افغانستان طایفه اهل هنود از حضور معدلت نشور همایونی احسان گردید :

۱ ـ قبل از این بعض خلعتها وانعامات نقدی برای هندوها بیکه مسلمان میشدند مقرر بود . دین مبین اسلام بااینگونه اصول شایع

نشده ونخواهد شد ، بلکه فقطحقانیت وعدالت خودش موثراست ، لهذا بعداز این آنعامها ممنوع قرارداده شد که بعد از این داده نخواهد شد تاموجب نفرت هندو ها نشود.

۲ ــ بعض اوقات در حین‌جنگ‌وجدل وغیره آنهم ازطرف جهال برای هندو ها دشنامهای خیلی‌کریه که‌به مذهب شان هم دگه میزند داده می‌شد . باید محاکم‌عدلیه ودوایر کوتوالی چنانچه در حق مسلمانان این‌امر را دقت وممانعت میکند درحق هندو هاهم‌بشدت رسایل امتناعیه خود را استعمال‌کنند وجریمه معین ازملامت گرفته شود .

۳ ــ الف : برای رفاهیت هندوهای تبعه افغانستان جزیه شان پوره نصف شده‌است کسانیکه‌مبلغ شانزده روپیه پخته میدادند هشت روپیه وکسانیکه هشت روپیه‌میدادند چهار روپیه واگرچهارروپیه میدادند حالادو روپیه مقرر شد .

ب : اگر باقیات سنوات گذشته ازبابت جزیه بر خودهند و ها مانده است بخشیده شد . واگر بر عاملی‌وضابط اجاره دار باشد گرفته‌شود.

٤ ــ در جلال آباد ، غزنین ،قندهار یك یك نفر از اهالی هندو درشورای حکومتی داخل شوند‌چنانچه درکابل انتخاب شده اند. به‌قرار احکامات فوق جمیع‌نائب‌الحکومه هاو حکام معمول‌دارند .

تحریر ۱۲ حمل سنه ۱۲۹۹هجری شمسی ــ امیر امان الله (۳)

به اساس ماده (۳)قانون‌اساسی‌که‌چنین حکم میکرد :((پایتخت مملکت افغانستان شهر کابل‌است‌اهالی تمام مملکت افغانستان بالمساوی به نظر حکومت هستندکه هیچ‌امتیازی اهالی شهر کابل نسبت بدیگر شهر ها و قصبات‌مملکت محروسه افغانیه ندارند.))

(٤) در مجالس مشوره و لایات‌چون قندهار ،غزنی و جلال آباد انجمن معارف نماینده‌گان هندو ها پذیرفته شدند وسیستم برده گی

شکست و هفتصد وچندنفر کنیز و غلام تنهادر شهر کابل بامالکین خود وداع کردند مراسم مذهبی‌هندو ها وتکیه گاه های پیروان مذهب امامیه آزاد شد و معاشر مستمری ونسبی محمد زایی ها و خانها وامتیازات دیگر منع قرار گرفت . برای زنان حق تحصیل و سهم گیری در فعالیت های اجتماعی داده‌شد ،نکاح صغیر وتعدد ازواج منع گردید، ومطابق ماده (۹)قانون اساسی آزادی و مصوون بودن آن ازهرگونه مداخله و تعرض محترم شمرده شد . اما در سال ۱۳۰۳ در لویه جرگه دوم که اکثر و کسانیکه ملاکین وخانها ونماینده‌گان روحانیون متعصب بودند ،بعضی اصلاحات اجتماعی تعدیل یافت وقطعنامه نزده فقره یی تصویب گردید کـه مطابق آن نکاح صغیر جایز دانسته شد و فیصله گردید که زن باید درخانه تحصیل کند ،نه در مدرسه و آزادی فردی راکه درقانون اساسی آمده بود چنین تفسیر کردند که فرد درامور شخصی میتواند آزاد باشد نه در دین وسیاست .از دواج یک مرد رابا چهار زن جایز شمردند .اما وقتیکه امیر از سفر اروپا بازگشت لویه جرگه سوم رادایر کرد و درآن تلاش ورزید تامواضع از دست داده راباز تصرف کند سرانجا م دوباره نکاح صغیر ملغی شناخته شد و سن ازدواج برای مرد بیست و دو و برای زن هجده تعیین شد . رفع حجاب را آزاد گذاشتند واما تعدد ازواج به حال خود ماند

همچنان در لویه جرگه (۱۳۰۷ (۱۹۲۸ م) القاب گوناگون مانند جناب آقای اجل و غیره منسوخ قرارداده شد و فیصله گردید که مامورین دولت تنها بنام ووظیفه رسمی‌شان وزیر رئیس و مدیر ، خطاب شوند وبرای ابراز محبت واحترام تنها علاوه کردن کلمه (عزیزم) بسنده است مثلا: (عزیزم وزیر داخله) وشخص شاه گاهیکه برنامه اصلاحی خود رابه تایید وکلای لویه جرگه‌سوم میرساند در این مورد چنین گفت : ((این را مناسب میدانم که‌درتمام افغانستان تنها به لفظ عزیزم

مثلا عزیز م عبدالعزیز و عـــزیز م‌احمد اکتفاء کرده شود . وبا قبی القا ب زیاد رسمی اگر برای مـــن‌نوشته میکنید من جوا ب نخوا هم داد . من قطعاً نمیخوا هم بـــرا ی‌من فدا وتصدق پادشاه جــــم دستگاه یاشهر یار قد ر قــدر ت‌نوشته شود . اگر پادشاه عزیز م نو شته شود وا لله بسیار خو شــی‌میشو م ...)) (٥) پوشید ن‌لبا س ها ی رسمی گو ناگو ن که هرکدا م‌برای محفلی اختصا ص دا شت‌منع شد و برای لشکر ی لبا س رنگــ‌خاکی بارو ب وسر شانه وکمربندی برای مامور ین ملکی سیاه سا ده‌تعیین گرد ید . تما م نشا نهابه‌جز نشا ن استقلا ل حربی ملغی‌شناخته‌شد ».. (٦)

چنانکه دیـــده میشود در دورهٔ‌حکو مت امانی بر ضد هر گو نـــه تبعیض ودلا لتها ی کهتر و مهتـــر درمیا ن مرد م با پافشار ی وایمان محکم مبارزه شد و تلاش صور ت گرفت تااز طریق تحکیم مسا وا ت اجتما عی یك پارچگی ملی‌میسرشده‌واقوام وقبایل مختلف افغا نستان دست دوستتی بهم بد هند وبرا ی‌حفظ آزادی وبه‌خا طر خر می وآبادی کشورشان کار کنند .

امیر امان الله به اهمیت اتفا ق‌ملت بخوبی پی برده بودو هر گز نمی توانست بدون هیجان در باره‌آن سخن بگوید . درسا ل ١٣٠٤ که به قند هار سفر کرد در مسجـــدخرقه مبار ك روز هفتم عقر ب‌حین ایراد خطبه نماز جمعه در بارهٔ‌اتفاق‌ملت به تفصیل بحث کرد و درجایی چنین گفت: هر کسی که در افغا نستان زنده‌گی میکند بدون‌استثنا افغان گفته میشود. پس درا نــی‌وغلجایی واچکزا یی واو پره چـــه معنی دارد ؟ وبه‌کار بردن‌کلمه‌اوپره‌را برای اقوا م وقبایلی‌که گویابی‌نام ونشان اندو افراد سر بـــر آورده‌ندارند تحقیر ناجایز دانست وجدا منع‌کرد وهمه این اختـــلافات رابهترین سلاح بدست دشمنا ن‌و طن شمرد . وگفت : ((...ودشمنا ن ماازاین خصو ص ت‌درمیان ما چقـــدر

عظمت یافته‌اند. آه مارا بدست خودما ازما جدا کردند .تکه‌تکه نمودند پارچه‌پارچه ساختند و تما م قوا ی‌مارا میان خودمابه تحلیل رساندند. (دراینجا اشك های امیر جاری می‌شود)) . (۷)

باهمه دشواری هاییکه سر راه‌بود روشنفکرا ن سهیم درحکو مت امانی وشخص شاه دربرنامه ها ی‌اصلاحی حکومت برای حقوق زنان فصل خاصی را عنوان کـــردند . نخستین بار زنان درکـــار ادارهٔ مملکت بامردان شریك شدند .مثلا: اداره مکتب مستورات را شخصـــ ملکه ثریا وعده‌یی از زنان‌روشنفکر به عهده گرفتند که‌در فصل آموزش وپرورش ازآن به تفصیل سخـــن‌خواهیم گفت ومدیریت شفا خا نه مستورا ت واطفال رامدتی اخت ـ السراج خانم محمد یونس دختـــر امیر عبدالرحما ن و عمهٔ‌اعلیحضرت‌امان‌الله به‌عهده داشت. بعد ازآنکه او مریض شد سردار بیگم همشیره‌عزیزالله مدیر عمو می نفو س‌بحیث مدیرهٔ شفاخانه مقررشد .

یاد داشت ها :

۱ ــ ((خطابهٔ ایرادیهٔ ذات اقدس ملوکانه)) ، طلوع افغان ، شماره های ۳۵ و ۳۶، سال ٦ (ده دلوسال ۱۳۰٤)

۲ ــ امان افغان . شماره ۸ سال اول ، (۳۰ ثورسال ۱۲۹۹ مطابق ۲۰ می ۱۹۲۰)

۳ ــ امان‌افغان ،شمارهٔ ۸،سال‌اول (۳۰ ثور ۱۲۹۹ مطابق ۲۰ می ۱۹۲۰)

٤ ــ امان افغان ، سال ۹،شماره ۳٤

۵ ــ ((لویه‌جرگه)) ، نو روز ،سال اول ،شمارهٔ ٤

٦ ــ مقالهٔ ((لویه جرگه))درهمان جریده ،همان شماره .

۷ــ«عیناً خطبهٔ اعلیحضرت معظم غازی به جامع خرقهٔ نبوی)) ، طلوع افغان، شماره ۱۹ سال ۵ (۱۹ عقرب سال ۱۳۰٤).

آموزش و پرورش

گسترش چشمگیر زمینه آموزش از خصوصیات مبرم ایــن دوره دهساله است . مبارزان ((اخوان افغان)) که کار های عمـــده را در دستگاه دولتی به دوش داشتند به تعمیم دانش در مملکت ارج فراوان می نهادند و بر قرار شدن مناسبات خردمندانه رابین افراد جامعه یکی از عوامل اساسی ترقی کشور مــی پنداشتند و شخص اعلیحضـــرت امان الله عشق بیکرانی به تعلیم و تربیت فرزندان مملکت و تعمیـــم سواد بین مردم داشت . چنانکه دریکی از بیانیه های خویش گفته بود: ((... من هر قدر درباب ترقی و بهبودی شما ملت تفکر نموده ام بدون راه علم دیگر راه نیافته ام و پایه اول علم مکتب است .. چون چنین است نیک بدانید که بخیر شما بوده وشما را براه مستقیم مایـــل ساخته میخواهم باکمال سویه ،ازعالم باخبر شوید ، ترقی کنید تاکی درین مغاك جهل بوده ازعالم بی خبر وازعلم محروم باشید)) (۱)

در ایندوره دلبستگی حکومت رابه معارف تا حدزیادی پشتیبانی مردم نیز همراهی میکرد .

چنانکه در ستارهٔ افغان میخوانیم: ((..از همه مقدمتر حاکم ریـــزه کوهستان وپنجشیر عالیجاه محمدامانخان، رعایای مستقلهٔ خود ش را

به فوائد معار ف آگاه ساخت ،چنانچه مردم کو هی هفده صدرو پیه آغانۀسا لانه برای بنای مکتبی درریزه کوهستا ن متقبل شدند .چون وجه مذکور کافی نمی آمد سا لانه‌سه‌هزار روپیه دیگر اعلیحضـــرت همایونی منظور فرمودند . ازیك‌ونیم‌سال است که مکتب مذکور مسمابه مکتب عزت قایم وشصت نفر بچه‌هادرآن مشغول تحصیل میبا شند.بعد ازآن مرد م بنجشیر برای تاسیس‌مکتب فی‌یك روپیه (ده پیســـه) در ما لیا ت خودا فزودند که مکتبی‌به‌نام((اخوت))در رخۀ پنجشیر بنیادشد حالت تعلیمی آن‌مانند مکتب عز ت‌اسـ ت.(۲)

مـــر د م ســـمـــت جنو بی‌هفـــتـــا د و پنــــج هز ا ر افغانی باچهار صد نفر معلم برای‌تاسیس‌چهار مکتب در خوست و چمکنی و زرمت وگردیز دادند . تاجــــران‌قندهار برای تاسیس یك‌با ب‌مکتب دوازده هزار روپیه به محصـــــول‌تجارتی خود افزودند (۳) و درسال ۱۲۹۹ که ملکه ثریا در یك مجـــمع‌زنان درباره ارزش علم و معار ف و پیشرفت زنان جهان وعقب‌مانده‌گی‌زنان افغانستا ن سخنرانی‌کردپنجاه نفرزن در کار تاسیس او لین‌مکتب‌دختران وخدمت معار ف داوطلبا نه اظهار آماده‌گی کردند . وخود ملکه‌پذیرفت که به حیث مفتش مکتـــب مستورات کار کند . مردم جمال‌آغه‌وپنجشیر وغیره باتقاضا دو لت را واداشتند تاهرچه زودتر برای شان‌مکتب تاسیس کند .

اینها همه گواهی هاییست بـــه‌علاقه مرد م افغانستا ن به تعلیم و تربیه فرزندا ن شان که‌در آئینـــه‌جراید آن دوره انعکاس یافته است. مصار ف معار ف قبل ازسال ۱۹۱۹ ،شصت و هشت هزار روپیه کابلی بود. درسا ل ۱۹۰۲ به پانزده لـــك‌روپیه رسید ودرسا ل ۱۹۲۸ قرار اظهار اعلیحضر ت امان الـــله درسومین لویه جرگه مصار ف تعلیم وتربیه به شصت لك وهشتادوهشت‌هزار روپیه می رسید که ازجمله‌پنج لك وچهل هزار افغانی آنراملت‌بنام‌مصار ف معارف می پرداخت‌وبا قی بدوش دولت‌بود .(٤)

بعداز آنکه براساس ((نظامنا مه‌تشکیلا ت اساسیه افغانســـــتان)) وظایف نظارت معار ف مشخص شدنظار ت معار ف درهما ن سال ۱۹۲۰

پیشنهاد ذیل را به حضور شـــاه‌تقدیم نموده منظور ی حاصل کرد .

۱ ـ تاسیس مکتب عالی برا ی‌تنظیم امور شرقیه که نصاب آن‌نیز ساخته شده‌است .

۲ ـ تاسیس یك مکتب صنا یع‌نفیسه . هرچند قبلا چنان مکتبـی درپغمان تاسیس شده بود که‌اموزآن توسط اداره مکتب حربیه تنظیم میشد مگر چندا ن پیشرفتی نکرد

۳ ـ افتتا ح یك مکتب السنه

٤ ـ تشکیل وزارت معارف :

ـ ناظر معارف

ـ مدیر عمومی دونفر ، یکــــی‌مخصو ص تعلیم‌ودیگر ی بــــرای محاسبا ت.

ـ مفتشین مضامین و نصــــا ب‌مکاتب .

ـ مستشار نظارت معارف .

ناظر ومستشار همه و قــــت ازداخل مملکت واز افراد و طــــنی میباشند .

۵ ـ انعقاد یك مجلس علمی ازاربا ب فضل ودانش وعلمــــاء در دائره نظارت معار ف که بریا ست‌ناظر معار ف درهفته یکبار دائــر شود ودربارهٔ ترقیا ت معار ف‌تدوین‌نظامنامه هاو پروگرا مهای صنو ف‌و تاسیس مکاتب جدید غور و تعمق‌نمایند .

٦ ـ تشکیل انجمن معار ف به‌شمو ل اعیا ن مملکت ونظاروافسران بزرگ که سالی یکی دو بار جلسه‌کند ورابور ها وسالنا مه های‌معارف راسنجیده و ملاحظه و معاینه‌درجات‌ترقی معار ف رادر وطن معــــلو م نماید.)) (۵)

بنای انجمن معار ف قبل از سال ۱۹۱۹ گذاشته شده بود که پلانهای ارزشمند ی طر ح کرد اما اکثر آن‌پلانها عملی نشد ونزدیك های‌سال ۱۹۱۹ مسئاله تعلیم و تربیه‌درحاشیه‌بر نامه کار دولت قرار داشـــت و مخصوصا بعداز آن وقت که مکتب‌کانون فعالیت مشروطه خوا هـا ن شـد در بار ازان دل خو ش‌نداشت.

انجمن علمیه درسا ل ۱۹۲۰دائرشد . اعضا ی آنرا ناظرمعارف تعیین نموده به‌تایید شاه رسانده بـــود .رئیس انجمن خود ناظر معار ف بود ودیگر اعضا ذوات ذیل بودند :

۱ ـ جناب سردار محمد عزیـــز ایشك اقاسی خارجه
۲ ـ شیراحمد ایشك اقا ســـی نظامی سابق .
۳ ـ حسن حلمی افندی .
٤ ـ مولو ی غلا م‌محی الد ین‌سرشته دار دارالمعلمین .
٥ ـ داکتر عبدالغنی
٦ ـ محمد اسحق معاو ن‌نظار ت‌امور خارجه
۷ ـ کرنیل عبدالطیف خان .
۸ ـ علی محمد کامیا ب صنـف‌عالیهٔ تهیه.
۹ ـ میرسید قاسم قائم مقـــا م‌مدیر و مشیر رئیس انجمن .
۱۰ ـ قاضی محمد غو ث
۱۱ ـ میر محمد صدیق معلــم‌مضمو ن مخفف نویسی فارسی
۱۲ ـ قاری عبدالله
۱۳ ـ ملا آقابابا
۱٤ ـ غلا م محمد رسا م

در سا ل ۱۲۹۸ وزار ت معار ف‌نشر مجل ه‌ماهانه (معر ف‌معارف) را آغا ز کرد ودرهمان سا ل‌نشان‌معار ف قلم و کتا ب و شمشـــیر تعیین شد .

یاد آور می شویم که جمعـــیت(اخوان افغان) در جلسه های‌سر ی به کتا ب و قلم و شمشیر سو گند یاد میکردند و تعیین شکل نشا ن‌به آنصور ت گویا قدر شناسی بود ازجانبازی های آن فرزندان فدا کار افغانستا ن که‌به سر باور های‌پا ك‌جانهایشا ن را گذاشتند و آنانیکه هنوز در کار آباد ی افغا نستا ن‌متر قی عر ق می ریختند . نظار ت معار ف تا سا ل ۱۹۲۰ به‌تهیه‌نظا منا مه ها و پلانهای اصلاحی‌مصروف بودوازآن سا ل به بعد مکاتــــب‌متعدد ی‌درحو مه کابل ودیگرو لایات کشور تشکیل گردید . بین سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۱ به تعداد بیست‌ودو با ب مکتب ابتدا یی درنوا حی‌اطراف کابل افتتا ح‌شد .

تعلیم در مکتب مدار ج سه گا نه داشت : ابتداییه . رشد یه و اعدادیه دو ر ه ابتد ا یـیه پنجسا ل بود. دوره رشد یه سه سا ل و دوره اعدادیه نیز سه سال بود . بعد از ختم دوره اعدادیه به نا م صنف تهیه یکسا ل دیگر نیز امکا ن تحصیل وجود داشت. شا گرد بعداز ختم اعداد یه اگر مـــی خواست در صنف تهیه به تحصیل ریاضیا ت یا فلسفه واد ب مــــی پرداخت وسا ل تهیه گویا سا ل فرا گرفتن تخصص شمرده میشد .

سا ل تعلیمی ده ما بود .شاگردان روز پنجشنبه مرخص بـــودند وروز دوشنبه تا نیم روز درس میخواندند وروز جمعه مانند دیگر روزها بدرس حاضر می شدند .

در پایتخت علاوه بر لیسه حبیبیه که وجود داشت لیسه امانی در سال ۱۳۰٤ ومکتب رشد یه غازی درسال ۱۳۰٦ ورشد یه امانیه (استقلال) در سا ل ۱۳۰۱ تاسیس شد .همچنان مکاتب تلگرا ف ،رسامی ، تجاری ، السنه ،زراعت ، مکتب پولیســـس ،موزیك، مکتب طبیه ،موسسه قالین بافی ، مکتب مسا حت وکور سهای شیشه سازی وسمنت سازی وغیره دایر گردید .

در دیگر ولایا ت رشد یه جلال آباد رشدیه کند هار ، رشدیه هرا ت، دارالمعلمین هرات، رشدیه مـــزار شریف ، رشدیه قطغن و بد خشا ن درهمین ده سا ل تاسیس شد .

بنا بر گزارش وزار ت معار ف درلویه جرگه سا ل ۱۳۰۷ تاآنو قـــت تعداد مکاتب ابتدایی در همه نقا ط افغانستا ن به ۳۲۲ باب و تـــعداد مکاتب عالی درمرکز وولایا ت بشمول امانی وامانیه به ۲۲ باب میرسید . از مکاتب ابتدا یی ۸۲۳ نفـــر فارغ التحصیل شده بودند و یکصدو یك نفر رابرای تحصیل به خارج فرستاده بودند که از جمله هفده نفر بعـــداز ختم موفقانه تحصیل به وطن با زگشتند .

تعداد معلمین مکاتب قبل از سه سال نزده هزار نفربود که تاسال ۱۹۲۸ به پنجاه ویك هزار نفر رسید. ششصدو پنجاه نفر معلم در مکا تب ابتدا یی و صد نفر در مکا تب عا لی تازه مقرر شدند (٦)

ازرو ی اعداد وارقا می که ذکر شد ، میتوان به سرعت رشد تعلیم

وتربیه وافزایش مکاتب به آسانی‌ی‌برد. اولین مکتب قضا ت درسال ۱۲۹۹ گاهیکه محمد سلیما ن‌وزیرمعا رف بود درکابل باز شد. نصاب تعلیمی آن مطابق پروگرا م مما لك‌اسلامی، مصر ، عرا ق وعربستا ن سعودی ترتیب شده‌بود .مضامینیکه‌تدریس میشد عبار ت بود ازتما م علو م اسلاه‌ی‌وشر فی به ویژه‌عقایه‌دینیا ت. فقه، اصول ، منطق،فلسفه ،تصوف ، صر ف ونحو ،تاریخ ،جغرافیه ،ریاضی ،هندسه واردو . دوره آموزش آن دوازده سا ل بود.شاگردا ن شب رانیز درخوابـگا ه مکتب سپری مینمو دند .تـــمـا م‌مصار ف را دولت می پرداخت .در سا ل ۱۳۰۲ مکتب مذکور تو سعـه‌یافت ونامش نیز دارالعلو م عر بی گذاشته شد .

امور تدریسی مکاتب‌امانی‌وامانیه‌را مدیران جرمنی و فرانسوی‌اداره میکردند . درامانیه زبان فرانسوی‌ودر امانی زبان المانی تدریس مـی شد . دراین دومکتب ازهرشاگردماهوار شش رو پیه فیس مـــی گرفتند که‌در مقابل ، خورا ك‌ولباس‌همشکل به‌شاگردان میدادند .

در مکتب السنه که در ســا ل۱۳۰۷ تاسیس شد زبانــــها ی انگلیسی ، روسی، المانی‌وفرانسوی‌آموخته میشد . درس از سا عـت پنج‌ونیم آغا ز می‌یافت‌و دوسا عت‌طو ل‌می کشید .حق التعلیم ماه پنج افغانی بود وشاگردان‌وسایل‌آموزش‌را از وزارت معار ف میخریدند .

درسا ل ۱۳۰۰ (۱۹۲۱ م) نخستین‌بار در تاریخ مملکت زمینهٔ‌تحصیل به شکل عصر ی ورسمی برای‌زنان‌افغانستان فراهم گشت و مکتـــب مستورا ت تاسیس گردید .نصاب‌تعلیمی مکتب مذکور با مضا میـن مانند پخت وپز ، دوخت وبافت ،اداره منز ل وتربیه طفل وتاریــخ زنان نامور جهان و مسایل دینـی‌بیشتر موردنیاز زنا ن ازنصــا ب تعلیمی مکاتب پسرا ن فر ق می‌شد.کتب درسی مخصو ص برای ایـــن مکتب تالیف وچا پ شد. درمکتب‌مستورا ت در آغاز زنان تدریس‌می کردند وبعد درسا ل ۱۳۰۶ که‌مکتب‌وسعت بیشتر یافت مردان ســا ل خورده نیز به معلمی مکتب‌مستورا ت‌گماشته شدند وازهما ن ســــا ل تدریس لسا ن خارجه هم داخـــل‌برنامه گردید . تاسا ل های اخیـر

این دوره ده ساله مکاتب دختـرا ن عبار ت بود از سه با ب مکتـــب ابتدایی ویك باب مکتب رشدی .

در اوایل ســـا ل ۱۳۰۷ خوردسا لان مکتب مستورا ت به صنف های اول ودو م مکتب رشد یـــۀامانیه شامل شدند و نخستین باردر تاریخ کشور دخترا ن وپســـرا ن پهلو ی هم بر چوکی آمو زشـــــ نشستند .

درهما ن سا ل تعلیما ت دختران تا رشدیه چهار م بلند رفت وتعدادی ازآنا ن برای تحصیلات بلند تر به ترکیه فرستاده شدند .

مفکوره فرستا د ن شا گر دا ن به خار ج درسا ل ۱۳۳۱ هـ. ق که سردار عنایت الله معین السلطنه آمر یـت مکتب حبیبیه رابه عهده گر فت و انجمن معار ف تشکیل شد تو سـط انجمن مذکور پیشنهاد گــردید ، بدینصور ت که بعد از صـــنو ف ابتدایی چهار ساله رشد یه واعدادیه دوشعبه شود وفارغا ن یك شعـبه به کار های دولتی گماشته شو ندو از شعبه دیگر برای آمو زش بیشتر به خار ج کشور برو ند ـ اما ما نـند دیگر پلانهای انجمن این پلان نیـز عملی نشد .

در اوایل ســا ل ۱۳۰۰ هـ.شــ(۱۹۲۱ م) اعلیحضر ت امان اللـه منظور فرمود که سه صد نفرمتعلم به خار ج فرستا ده شو ند . از جملـه صد نفر به اروپا برو ند ودو صد نفر درهند بمانند که ازآن جمله نیــز صد نفر برای تحصیلات ارو پا درهند آماده شوند و صد دیگـــــر تحصیلات خود رادر هـــند به پایان برسانند . برای مراقبت متعلمیــن مذکور مفتشین تعیین شده بودند که برایشا ن بنا م ((وظایف اتا لیق و هدایت برای طلبا)) دستور العـمل ساخته بودند .

درهما ن سا ل متجا وز از ۳۵ نفر تحت نظر سردار محمد عزیز بفرانسه فرستاده شدند و تعدادی دیگر تحت راهنما یی سید محمد ها شم به آلمان اعزا م شدند وباز درســـا ل ۱۳۰۱ هـ. ش (۱۹۲۲ م) شماری شاگردان

خورد سال را به‌خارج فرستادند.

درسال ۱۳۰۶ دوره اعدادیه که بنابر رفتن شاگردان به‌خارج محل شده بود باردوم ایجاد گردید و تاپایان های عهد امانی تااعدادیه دوم رسیده بود.

برای تمام مکاتب افغانستان حتی بروی نیاز مندیهای خاص مکاتب ذکور واناث درهر مضمون کتب درسی تالیف یاترجمه میشد. دارالتالیف وزارت معارف که قبل‌از این دوره بنام بیت‌العلوم حبیبیه تاسیس شده‌بود موازی باگسترش‌دامنهٔ مکاتب کتاب تهیه میکرد. مثلا تنها درسال ۱۳۰۷ـ (۱۹۲۸)۲۷ جلد کتاب جدید برای مکاتب مختلف تهیه شد بدین تفصیل:

کتاب حقوق واداره و مقدمه‌حقوق وفواعد که توسط کمال‌عاطف بیگ برای صنوف‌رشدیه‌ملکی‌تالیف‌شده بود. حقوق جزاء وکتاب‌فن مالی ومعلومات‌مالیه راجوادبیگ‌برای رشدیهٔ ملکی تالیف کرد. حقوق تجارت را آقای صفوی وکتاب علم تربیه راهاشم شایق برای رشدیهٔ ملکی تالیف نمود. جغرافیه افغانستان رامحمد علی برای رشدیهٔ چهارم تالیف کرد.ودو جلد فزیک برای رشدیهٔ سوم ورشدیه چهارم توسط عبدالستارتالیف شد. وفزیک برای صنوف سوم اعدادی توسط آقای‌شیواتالیف گردید وزیاده بر آن آقای شیوا برای صنوف سوم اعدادی‌کتاب درسی کیمیانیز تالیف کرد. محمد علم معلم برای صنوف دوم‌اعدادی کتاب تاریخ تالیف نمود و سیدعلی اختر برای مکتب‌متوسطه‌اعدادی کتاب نباتات رانوشت.و همچنان سید علی اختر کتاب معرفت الارض را برای تدریس در مکتب متوسطه اعدادی تالیف‌کرد. محمد اشرف کتابهای جبر وهندسه را برای‌سال اول اعدادی تالیف نمود. وارتقای اصول تربیه توسط محمد ابراهیم معلم نظریات‌مکتب‌تلگراف ترجمه شدوکتاب نظم ونسق تعلیم جاپان را آقای محمدحسین رئیس تدریسات ترجمه

کرد . کتاب صنایع بودایی راآقای صفوی برای موزیم ترجمه نمود .و کتاب های حصه اول هدایا ت رسم کردن ازبرای مناظر طبیعی،در تمهیدات راجع به صفت اشیا وترکیب آمیزش رنگ ودرخصوص رسم کردن-حصه دوم ودرخصوص رسم کردن - حصه سوم وفن رسم کردن مناظر به ذریعه واتر کلر ((رنگ آبی))،هدایات رنگ کردن شبیه انسان وهدایات فن رسم کردن یعنی رنگ با آب آمیخته توسط عبدالصمد برای مکتب رسم ترجمه وکتاب تمدن جدید رااديب خان رئیس مکتبین ترجمه کرد . ازکتاب های مذکور بعضی درهمان سال ها چاپ شد و بعضی قراربودچاپ شود .(۷)

در این دوره رشد تالیف وترجمه کتب دری باافزایش تعداد مکاتب همگام بود. بین سالها ی ۱۳.۳ و۱۳.۷ دارالتالیف وزارت معارف ۱۳۳ جلد کتاب تالیف یاترجمه کرد. وجهت آسان تر بر آورده شدن این مامول وزارت معارف مطبعه یی را بکار انداخت که به تهیه موادچاپی آن وزارت اختصاص داشت . دراین ده سال فضای آموزش آزاد واز هرگونه اختناق وفشار سیاسی پاك بود .

ودانش آموزان ازهرگونه تشویق مردم و حکومت برخوردار بودند . شاه شخصاً عشق سرشاربه تعلیم وتربیه داشت . قصرشاهی ((شهرآراء)) رابه معارف بخشیدوخود همیش از مکاتب و وضع امتحانها ودروس باخبر بودودربعض امتحانها اشتراك می ورزند حکومت امانی در کار گسترش تعلیم وتربیه، هیچ گوشهٔ دور یا نزد یك کشور را فراموش نکرد. به تاریخ ١٦ اسد ۱۲۹۹ مکتب راستی در جلال آباد بنایافت ودر ٢٦ حوت سال ۱۳.. مکتب ذکاوت در بامیان باز شد .(۸)و همچنان که مکتب دانش رادر چهل ستون نزدیک کابل گشودند مکتب معرفت درتاشقرغان تاسیس گردید .درسال ۱۳.. میرزا علیرضا مکتوب نویس سابق دربار وبعد ها معروف به منشی علی رضا شاعر نامدار میمنه شعری به اتفاق اسلام هرات فرستاد که از تاسیس مکتب در میمنه خبرمیدهددرآن شعر تصریح میکند که نخستین مدیر نخستین مکتب احمد قلی بوده است :

احمد قلی آنکه مدیراست به‌مکتب   در میمنه بانیست باظهار معا رف
جهدش که‌شود جهل‌زمرد مهمه‌دانش شوقش که‌شود بیشتر افکارمعار ف
ازشکرفزونست چـــگویم چه نویسم تاخوردو کلا ن گشته‌خریدار معارف
درمیمنه طاوس هنربال فشان شـــد گردیدرضابلبل گلزار معار ف (۹)

در این دوره تعدادی از اعضا ی(اخوان افغان) که آقا ی عبدالهاد ی داوی ، مولو ی غلا م محی الدیـــن‌ومحمد ابراهیم چند او لی و غیره درشمار شا ن بودند بااهدای‌کتاب‌های شخصی خود بنا ی کتابخانه ملی را گذاشتند . ازجمله مثلا آقای‌داوی یك صدو پنجاه جلد کتا ب‌از کتا ب خانه پدرش رادر اختیارکتاب‌خانه ملی گذاشت .وشاه از ایـــن اقدا م طر فدار ی‌کرد و کتابخا نه‌غنی نائب السلطنه را با نسخ خطی نفیس آن‌به کتابخانه ملی‌بخشید.

در این دوره دهساله به سوادآموزی بزرگ سا لان نیز تو جـــه کافی بعمل آمد . تاسا ل۱۹۲۷برای‌سواد آموز ی از طرز کاکا استفاده می‌شد .

کاکاسید احمد فرزند فیض‌محمدلودین بن ملانصو ح‌پسر ســـر دار کهندل خان درسا ل ۱۲۷۱ هجر ی‌قمری درقندهار تولد یافته‌بود. وی تحصیلات ابتدایی خود رادرقندهارتما م کرد وبه مکتب حر بیه که در زما ن امیرشیر علی در بالا حصاردائر شده‌بود شامل شد .در دورهٔ تحصیل اکثردر امتحان هاییکــه درحضور امیر اخذ میشد به درجه‌اول کامیا ب میگردید . کاکا چندروز ی‌از محضر درس سیدجمال الد یـــن افغانی نیز بهره ور شد .بعدازدوره‌مکتب مدت کوتاهی در خدمت نظام بودکه بزودی آنرا تر ك گفته بــــه‌قندهار رفت ودرپایا ن پادشا هـــی امیر شیرعلی دوباره به کابل آمد .درآغاز امار ت عبدالرحما ن بزندان افتاد که تاختم پادشا هی امیـــــــرموصوف در زندان بود . در عهـــد امیر حبیب الله منتظم مدرسه‌حبیبیه‌مقرر شدودرسازما ن مشرو طـــه خواهان به فعالیت سیاسی پرداخت‌ورئیس یکی از حلقه هابود.درسال ۱۹۰۹ زندانی شد وتاسا ل ۱۹۱۹در زندا ن بود . در آغازحکو مـــت امانی از زندا ن رها گردید . وی‌دراین دوره از اعتماد واحترا م فراوان

حکومت ومرد م برخور داربـــود .مولفات کاکا عبار ت است از :
۱ ـ ضیاء الحساب (چاپ نشده)
۲ ـ شر ح صر ف ونحو عربی بەدری
۳ ـ کلید خزائن قرآنی ـ بهترین اصول فهرست قرآن مجید کەازروی یك فهرست دیگر آسانتر و مفصلتر ساخته شده است .
٤ ـ مجموعه اصو ل متداو له ومقاله او ل ودو م اقلیدس باشکال وتصحیحا ت بەدری وپشتو .
٥ ـ منتخبات کاکا درچهل صفحه مجموعه نکا ت تازه واشعار وشاه فرد های گزیده .
٦ ـ صر ف ونحو پشتو .
۷ ـ زنده گی نامه کاکا به قلـــم خودش کەتاسی سالگی اورا در بر میگیرد.
۸ ـ کتا ب طرز کاکا یا طـــرز جدید .

(طرز کاکارا) کاکا سید احمد درزندا ن نوشت وبه وسیله یی بەهند فرستاد و درآنجا چا پ شد .

در آغاز جلوس اعلیحضـــــر ت امان الله کاکا از زندا ن رها یـــی یافت و ((طرز)) اودر تما م مکا تب مورد استفاده قرار گرفت وزیاده بر آن مکتب سواد آموز ی در کا بـل گشایش یافت که اداره آنرابه کاکا سپردند وطرز کاکا درآن تدریس میشد .

سواد آموزی عساکر نیـــز با ((طرز)) مذکور صور ت میگرفت . به اساس طرز کاکا درچهـــل روزشخصی میتوانست بخواند و بنو یسد وکاکاخود در پایان عمرش ادعامیکرد که دوازده هزارنفر را بـــا استفاده ازطرز خود خواننده ساخته است (۱۰) کاکا سیداحـــمد روز یکشنبه ۱٤ حوت ســـا ل ۱۳٤٦ هجری قمری (۱۳۰٦) در هفتادوپنج سالگی در کابل وفا ت یافت .انیس دربارهٔ وی نوشت : ((.. عجبتر از همه اینکه سی و پنج سا ل ازعمـــرشان درمحبس بنا م مشروطیـــت

گذشت وازآن ذواتیکه قربان‌مشروطیت گردیده‌اند بود که خوبترین ایام سعادت‌شان در دوران‌اعلیحضرت غازی بوده‌است)) (۱۱)
شیوه دیگری که برای سوادآموزی به‌کار میرفت (اصول صوتی غازی) یا (اصول صوتی امانی) نام‌داشت‌مطابق آن شخصی ناخوان درحالیکه روز دوساعت درس میخواند در۲۰ساعت خواننده میشد اصول‌مذکور را اعلیحضرت امان الله درسال ۱۳۲۷ هـ ایجاد کرد و خودش در همان سال هر شب در مسجد شاه‌دوشمشیره رفته تعدادی نا خوان را مطابق اصول مذکور درس می‌دادو دراخیر امتحانی گرفت ومعلوم شد که بعد از بیست ساعت‌درس‌ازروی (اصول صوتی) شخصی می تواند کلمات رابخواند . (۱۱)سپس از اصول مذکور برای‌سواد آموزی عساکر کار گرفتند و نتایج‌سودمندی حاصل شد .

یاد داشت ها:

؟ ــ ((ماحصل بیان اعلیحضر تغازی)) ، طلو عافغان ، شمارۀ ۱۷، سا ل ٥ (۱۲ عقرب ۱۳۰٤)، ص ۳

۱ ــ ((مکتوب ازنظار ت جلیلــهمعار ف)) ، ستارۀ افغان ، شمارۀ دهم ،چهار شنبه ۱۳ دلــو ۱۲۹۹سال او ل

۲ ــ ((حواد ث داخلیه))، طلوعافغان ، شمارۀیك، سال اول .

۳ ــ ((افتتاح با ب دو م‌تر قیاتافغانستا ن ، یادورۀسو مین لو یه جرگه)) ،امان افغا ن ،سا ل، نهم،شمارۀ ۳۳ (۱٦ سنبلۀ ۱۳۰۷)

٤ ــ ((اصلاحات)) ، امان افغان،سال اول ، شمارۀ ۱۲ (۱۷ جــو ن سا ل ۱۹۲۰)

٥ ــ امان افغان ، ســـــال ۹،شمارۀ ۳٤

٦ ــ ((تالیفات مهم)) ، امانافغانسا ل ۹، شمارۀ ٦(۲۹ حمل۱۳۰۷)

۷ ــ اتحادمشر قی، سر مــــقالۀمدیر وسر محرر ،شمارۀ ۱۹، (۱٥ ثور سا ل ۱۳۰٦) .

۸ ــ ((مکتوب از میمنه))، اتفا قاسلا م، سال ۲، شماره ۲۸ (۸حوت ۱۳۰۰) ،ص ۱

۹ ــ ((کاکا سید احمد))، انیس،شماره ۲٥ سا ل ۲. ((مرگ کاکا سیداحمد))امان افغان ، سا ل ۹،شمارۀ ٤۹

۱۰ ــ ((خواننده شد ن نا خواندربیست سا عت با صوتیامانی)) ، انیس ،سا ل اول، شمارۀ ۱۳

۱۱ ــ امان افغان ، ســـــال ۹،شمارۀ ۳۳

رشد وسایل مفاهمهٔ جمعی

((ما ملت افغانی نیز در این دوره نهضت امانیه حق داریم غرض اصلاح امور ملی وکشور ی خودآزادانه بگوییم عمل صادق وکاذب را از هم سوا کنیم.امروزملت افغانی دراین عصر امانی آزادانه امر مقدس ((مسیح امور اجتماعی ملت افغان)) رادر گوش دارند که در روز وداع فرمودند :

ای ملت غیور افغان زیراستبداد نروید غیر قانون دیگر حکم راقبول نکنید !)) (۱) این عبارات ازسرمقاله انیس گرفته شده ونویسنده آن زحمان و بگمان غالب همان عبدالرحمان افغان مبارز آتشین و عضو دلیر اخوان افغان است. اساس آزادی مطبوعات که محمود طرزی در شرایط دشوا ربه خاطر ش نفس میسوخت در این دوره به استواری گذاشته شد وتوسط مادهٔ یازدهم قانون اساسی به تایید رسید . جراید و مجله ها باامانت داری و دقت تمام کوشش های حکومت رابسوداصلاحات منعکس میساختند وآراء وعقاید مردم رادرپهلوی آن مینهادند. وبدین صورت تفاهمی که بین مردم و حلقه های اداری بوجودمی آمداز سویی دولت راکمک میکرد تا قدمهای بعدی را استوار تربنهدواز سوی دیگر مردم رادرفهم بهتر برنامه های اصلاحی یاری مینمود. گذشته

ازآن مجله‌هاو جراید براشتبا هات‌موسسا ت ودوایر آزادانه‌انگشت میگذاشتند وکمك میکردند تانظا م‌نامه هادقیق ترعملی شوند وراه‌خود سری هاوبی بندوباریهای آمـرا ن‌دوایر بسته‌شود ودرمسایل خار جی نیز جراید ومجله هاوظیفه خود راپیروزمندانه به سرمی رساندند . همان بودکه باوصف عمر کوتاه‌روزنامه نگاری درافغانستا ن این‌پدیدهٔ مهم‌فرهنگی توانست کرسی شایسته‌خودرابدست‌آورد ودر لویه جر گه سا ل ۱۳۰۷(۱۹۲۸م) کـــه رشوه‌ستانی یکی ازعوامل عمده بی‌سرو سامانی کارهاونارضا مندی مرد م‌شناخته شد پیکار با آنرا بدوشـــ مجله هاوجراید گذاشتند و این‌فساداجتماعی رابدست آزاد مطبـوعا ت سپردند وفیصله کردند که‌کسانیکه‌بدادن رشو ت مجبور می‌شونـد از ولایات قریب الی‌یك ماه وازبعیدالی‌دوماه به‌حکو مت بنویسند و((باید زبان جراید باندازه‌ییکه شورای‌ملی‌تصویب کند آزاد باشد. اگر چه در قانون موجوده هم آنقدر سخت‌نیست‌ولی‌شورای‌ملی قانون را دیده آزادی جراید راتوسعه بدهد تاجر ایدبتوانند اشخا ص خوب‌وبد رامعرفی وخوبی وبدی شانرا بیان نمایند))(۲)

نکته دیگر قابل توجه در ایـــن‌دوره فزونی تعداد جراید و مجلـه هاست.

حکومت امانی بافهم تاثیرمطبوعات‌در تنویر ذهن مردم ورشد آگاهـی سیاسی واجتماعی شان وعملی‌شدن‌پلانهای اصلاحی دولت به شکـــل بهتر ـ درشرایط ناتوانی‌مالی‌وپایین‌بودن سطح ذهنی مردم سر ما یـه هنگفتی راصرف کردوبیست‌و سه‌جر ید ۀو مجله و روزنا مه در ایـن دوره دهساله اشاعه یافت.امان‌افغان: از ۲۲حمل سال ۱۹۹۸ مطـــابق ۱۲ اپریل ۱۹۱۹ به‌نشرات آغـــازکرد. درآغاز مدیروسر محررآن‌آقای عبدالهادی داوی بود ودر هرپانزده‌روزنشر میشد. هدف نشرامان‌افغان در نخستین شمارهٔ آن‌درچهار نکته‌چنین خلاصه شده‌بود:

۱ ـ در وطن وابنای‌وطن‌شو ق‌تحصیل علم وفن پیداکـردن و از بیداری لازمهٔ عصر حاضر آگا هی‌دادن .

۲ ـ افکارآزادی‌را آزادانه‌اشاعت‌نمودن.

۳ ـ هیئات موجودهٔ محترم دولت متبوعه مقدسه خودرا (بنابر آزادی دوستی و آزادی خواهیش) احترام و اطاعت صمیمانه وحتی الامکان اعانت صادقانه نمودن .

٤ ـ بیطرفانه ابنای وطن را آشنای سیاست دنیا خصوصاً عالم اسلام ساختن.

اتحاد مشرقی : در ماه حوت سال ۱۲۹۸ (۱۹۲۰ م) در جلال آباد به نشرات پرداخت . نخستین مدیر مسئول آن برهان الدین کشککی بود وهفته دو بار نشر میشد.

غازی یاالغازی: در ماه میزان سال ۱۳۰۰ (۱۹۲۱ م) درخوست ولایت کتیا به نشرات آغاز کرد. دو [illegible] هفته گی بود وآقای عبدالله به حیث مدیر وسر محرر آن کار میکرد.

مجله معرف معارف : در اول سنبله ۱۲۹۸ ازطرف وزارت معارف درکابل نشر شد. این مجله ماها نه به مدیریت مسوول محمد حسین بیشتر مطالب مخصوص تعلیم وتربیه چاپ میکرد.

مجله مجموعه عسکریه : نخستین نشریه مخصوص چاپ موضوعات نظامی بود که درسال ۱۳۰۰ (۱۹۲۱ م) به مدیریت عبدالطیب خان (رئیس دائره ارکان حربیه) به نشرات پرداخت وماهوار ازطرف وزارت حربیه چاپ میشد.

مجله مجموعه صحیه : نخستین شماره آن دراول قوس ۱۳۰٦ (۱۹۲۷ م) از طرف مدیریت مستقله طبیه به چاپ رسید و درسال ۱۳۰۷ نشر آن متوقف گردید.

جریده اتفاق اسلام : به تاریخ اول سنبله ۱۲۹۹ (۱۹۲۰ م) در هرات تاسیس شد مدیر این جریده هفتگی عبدالله قائم هروی بود .در سال ۱۳۰۱ بنام ((فریاد)) چاپ میشد وباز در چهارم ثور ۱۳۰۸ (۱۹۲۸ م) دوباره بنام اتفاق اسلام ظاهر شد.

ستاره افغان : این جریده در نهم قوس سال ۱۲۹۹ در جبل السراج به نشرات آغاز کرد که هر چهار شنبه چاپ می شد و سر محرران میر غلام محمد الحسینی و زبان مقالاتش ساده بود .

روزنامه افغان : این نخستین روزنامه افغانستان روز دوشنبه ۱۴ سرطان سال ۱۲۹۹ در کابل بـه نشرات پرداخت محرران محمدجعفر بودو مطالب به هر دوزبان پشتـو ودری درآن چاپ میشد وبه همین نام مجله یی هم به قطع جیبی به چاپ میرسید .

طلوع افغان : در سـال ۱۳۰۰ هجری شمسی به مدیریت مولوی صالح محمد هوتك که مدیرمعارف قندهار نیز بودبه نشرات آغازکردو هفته یك بار بروزهای چهار شنبـه چاپ میشد .

اتحاد اسلام: این جریده هفتگی بتاریخ اول حـوت سال ۱۳۰۰ (۱۹ فبروری ۱۹۲۲ م) در شهـرمزار شریف (مرکز ولایت ترکستان آنوقت) اساس گذاری شد. دو هفته بعداز آغاز سال سوم (۱۵ حـوت ۱۳۰۳ شمسی) بنام بیدار ظاهرشدودرسال ۱۳۰۷ ـ سال شورش ((بچه سقو)) بنام رهبر اسلام چاپ میشد ودرسال بعد دوباره بنـام بیدار چاپ شد .

ابلاغ : روزنامه دیواری ابلاغ درسال ۱۳۰۰ به نشر آغاز کرد این روزنامه یك روز در میان یك رویـه چاپ میشد ودرجایهای مزد حم شهر برای استفاده عموم بردیوار هـا چسپانده میشد.

ارشادالنسوان : نخستین شماره جریدهٔ هفتگی ارشادالنسوان درماه حمل سال ۱۳۰۰ هجری شمسی چاپ شد. مدیر جریده خانم اسماءرسمیه معروف به (بی بی عربی) همسرمحمودطرزی وسر محرر آن روح افـزا معروف به منشیه دختر محمدزمان خان الکتب وخواهر حبیب الـله طرزی بود.

حقیقت : نخستین شماره روزنامه حقیقت بروز چهار شنبه ۲۲ برج اسد سال ۱۳۰۳ شمسی (۱۹۲٤ م)در کابل چاپ شد .این روزنامه هفته سه بار به نگارنده گی برهان الدین کشککی نشر میشد و همزمان با شورش ملای لنگ بوجود آمدوبیشترحوادث مربوط به شورش مذکور راتشریح و تفسیر میکرد و مردم رابا جریان اصیل حوادث آشنا می ساخت .عمر روزنامه مذکوریك سال بودوشماره یکصدوچهل آن(و(داعیه حقیقت)) یاد شده است که شمـاره نهایی بود .

ثروت : جریده ثروت نخستین‌باردر او ل ماه‌قو س سا ل۱۳۰۳هجری شمسی (۱۹۲٤) به نگارند گـــی‌صلاح‌الدین سلجوق ی‌درکابل چا پ شد . جریده مذکور درهشت صفحه‌درهر پانزده روز نشرمیشد وهدف آن راهنما یی‌مرد م بود در حــــل‌مشکلات اقتصادیٔ وجلب توجه‌شان به‌اهمیـ ت‌استقلال اقتصادی کشور.

آئینه عرفان : مجله معر ف‌معارف‌در سا ل ۱۳۰۱ (۱۹۲۲ م) دیگـــر نشر نشد وبعد از دوسا ل به‌جا ی‌آن درجوزا ی ۱۳۱۳ (۱۹۲٤ م) از طر ف وزار ت معارف آئینه‌عر فان‌به‌نشرا ت آغازکرد.

آئینه عرفان ماهی یك‌بار چا پ‌می‌شد وبنا بر مشکلات طبع بازمتوقف شد . درسا ل ۱۳۰۵ تنها برای سه‌ماه نشر شدو درسا ل ۱۳۱۰ به‌همان نا م قبلی ((آئینه عرفان))ازنواشاعه‌یافت.

پشتون ژ غ : مجله ماهانه‌پشتون‌ژغ درسا ل ۱۳۰۷ (۱۹۲۸) نشرشد وبیشس ازیك شماره چاپ‌نشد .

جریدهٔ مکتب : این جریده درسال۱۳۰۸(۱۹۲۹) از طرف مکتب امانیه به‌نگارگی جلال‌الدین متعلم مکتـــب‌مذکور ازچاپ برآمد .جر ید هٔمذکور در آغاز در مطبعه انیس چاپ میشدوازشماره ۱۵ به بعد ظاهرآ نســبت مشکلات طبع ونبودن مطبع موقتا به‌تعویق افتادکه دیگر ادامه‌نیافت.

انیس : ماده یازدهـم نخستیـن‌قانون اساسی افغانستا ن به‌اها لی تبعه کشور حق‌نشر جریده راقا یل‌شده‌بود وبه اساس آن‌محی الد ین انیس یکی ازجوانان دل آگاه وباایما ن وطن به‌سر مایه تنی چند از دوستانش نشر جریده انیس راآغاز کردکه دراو ل ماهی دو بار و سراز آغاز سال دو م هر هفته‌چاپ‌میشد . ودرهما ن آغازشعار((جریده ملی آزادو خاد م‌نهضت))در صفحه‌اول آن نقش شد.

انیس دوره دهساله حکو مـــت‌امانی رادوره نهضـــت مینما میدو جنبندگی عمو می‌اصلاحی راکه‌درتمام‌وجوه زنده‌گی راه‌یافته بود ودرمرکز تطبیق پلانهای آن شخص امیرقرارداشت بنا م روحیه امانی میشناخت وپیوسته پذیرفته شد ن ((رو حیه‌امانی)) رادر میا ن اقشار وطبقا ت مختلف مردم بررسی وارزیا بی می‌کرد وبه این صور ت می‌کوشید تا

صفو ف مرد م رابرای تحقق‌یافتن‌آرمانهای اصلاحی حکو مت‌فشرده‌تر سازد وبرای آبادی وتر قی کشورنیروی یك پارچه واستواری‌ازرعیت وحکومت بوجود بیاورد .

نسیم سحر :- این جریده نیز به‌سرمایه شخصی در ۷ دلو سا ل ۱۳۰۶ (۲۷ جنوری (۱۹۲۲۸ م) درکابل چاپ شد. صا حب امتیاز و نگارنده آن احمد راتب بود نسیم‌سحر هر هفته یك‌بار نشر میشـــد وتنها پانزده شماره آن‌انتشاریافت.این‌جریده بادرنظر داشت ما هیـت طبقاتی جامعه افغانی تلاش میکردتادر كسالم طبقاتی ازمسایل‌اقتصادی واجتماعی در روشنفکرواهل سوادایجاد کند واصلاحات جاری را نیز ازهمین دیدگاه انتقادمیکرد.

در بارۀنسیم سحر مقا له‌یی بـه‌امضای ح متعلمه مستورات درجریده امان افغان چاپ‌شده‌بودکـــه در آن‌گفته شده‌بود افسوس که نســـیم سحر به واسطه تندی مقا لات‌مسلسل‌خودکه میخواست بزرگتر ین علـل درماندگی مارانشریح کند سقـوط‌کرد ... (۳)

نوروز : جریده پانزده روزه‌نوروزدرسا ل ۱۳۰۷ به‌نشرات آغاز کرد مد یر مسئوو ل آ ن محمد نورو زونگا ر ند ۀ آ ن میر زا میر غلام‌بود .

رادیو : درسا ل ۱۳۰٤ دودستگاه‌نشراتی رادیو خریداری شد و در سا ل ۱۳۰۷ یکی‌از آنها درکابل‌نصب‌شد ودر نظر بودکه دستگاه دیگردر قندهار به‌کار افتد . وزارت‌داخلـه‌وقت در راپور کارهایش که درلویه جرگه سا ل ۱۳۰۷ خوانده شـــــدتاسیس اداره رادیو رادر کابل و کندهار ازکار های انجا م یافـــته‌شمرده‌بود .

دستگاه کابل که‌باقوه دو هزارو لت و به طو ل مو ج ۳٦۰. متــــر کارمیکرد تاقندهار شنیده میشد .پیش ازآنکه دستگاه کابل به کار آغاز نماید سی پایه رادیوی‌بتری‌داردر اختیار مرد م گذاشته شد که در اواخر سا ل ۱۳۰۷ تعداد آن به‌هزارپایه رسید .

کار نصب دستگاه قند هـار راحبیب‌الله کلکانی مانع‌شد .

پخش برنامه های رادیو سا عت‌پنج عصر آغاز میبافت وهر روزخبر های‌داخل ی‌وخارجی ،یك مقــــالۀا جتما عی و چند پا ر چه مو سیقی بخش میگرد ید .

یاد داشت‌ها :

۱ ـ ((ازچاره های‌ترقـــی‌ما)) ،انیس شماره هشت ، سا ل دو م

۲ ـ ((افتتاح باب دو م‌ترقیا ت‌افغا نستا ن ، اما ن ا فـغـــا ن ، شمارهٔ ۳٦، ســـــال ۹ (۳۰ سنبله۱۳۰۷)

۳ ـ پست شهری چه میگوید ،امان افغان، سال ۹، شمارهٔ ۲.

ادبیات و دیگر هنرها

> «... بی پرده حرف زده به صراحت تکرار میکنیم که اینچنین شاعری و سحر خوانی و موهوم بافی دراین دور تطور وعروج ما به قدر دانه خردل قیمتی ندارد...» (ازمقاله صبور پغمانی منتشره انیس شماره ۹ سال (۲)

دراین دوره بنابرآنکه مناسبات سرمایداری درکشور به آهستگی رشد می‌یافت وبیکار بانظام فئودالی که‌هنوز پابرجا بود هم در عرصه ایدئولوژیك و هم درعرصهٔ فرهنگی‌جریان داشت ،در مرزاد بیات‌تمایلات مترقی به‌کرسی می نشست .بورژوازی ملی و ملاکین که‌با بازار داخلی بستگی داشتند چون نیروهای تازه دم اجتماعی مواضع‌خود را مستحکم میکردند و حکومت(اخوان افغان) که‌نماینده منافع‌آنان بود قدرت‌رابدست‌داشت.بورژوازی‌ملی به پاخاسته که‌به انکشاف‌نیرو های تولیدی نیازمند بودبه‌کادرهای‌ملی ضرورت داشت . از این‌سبب حکومت‌باتلاش خستگی‌ناپذیرتعلیم‌وتربیه راگسترش میداد و بی دریغ مکتب افتتاح‌میکرد که در فصل(آموزش وپرورش) به تفصیل‌بیان کردیم همچنان دربرابر ادبیات‌نیز وظایف جدیدی گذاشته شد .

حفظ آزادی بدست آمده، رشدصنایع‌ملی، وتعمیم معار ف، شعله ورنگاه داشتن آتش عشق وطن درسینه‌هر افغان، متحد ساختن قبایل واقوا م مختلف‌با شنده افغانستا ن.زموضوعا ت اساسی ادبیا ت بود واماتنها شعر اونویسنده‌گان جوان ویادرجه‌دو م بارسنگین موضوعات یاد شده را میبردند . اکثر چهره های پـــرفرو غ ادبیا ت بنابر اهمیت نقش سیاست واداره در تعیین سرنوشت‌کشور به‌آن مرز گذشتنـــد . از محمود طرزی عبدالهادی داوی‌مولوی‌غلا م محی الدین ،مولو ی صالـــح محمد در صفحا ت روز نامه‌هاومجله‌ها تقریبا چیزی چـــاپ نمیشد . و عبدالعلی مستغنی شاعر استاد آغازقرن بیستم در دوا م این دهسا ل تنهایکی دو قطعه شعری چا پ کرده‌است. از مذنب وفانی وعبدالرحمان افغا ن محرر ادار ه سرا ج‌الا خبارکه‌اشعارشا ن پیوسته درسراج‌الاخبار چا پ میشد دراین دورهٔ شعـــری‌به‌نظر نمیرسد .

شعرا ی این دوره درهمان قالب‌های قدیمی موضوعات جدید رابیان کردندوبیشتر در وصف اعلیحضرت‌اما لله شعر می گفتند .و صف‌امیر مبا لغه شعر سده‌ها ی‌میانه‌راانداشت‌بلکه باذکر اصلاحاتیکه در زمینـــه های‌مختلف زنده‌گی بعمل آمدعلاقه‌وکوشش وی‌به آبادی‌مملکت‌وآرامی مردم ستوده میشد . شیراحمـــدمخلص شاعر حضور اعلیحضـــر ت امیرحبیب الله نهضت دوراما نی‌رادر اشعارش ستایش میکـــرد و از پاینده محمد فر حت ،میرغلام‌حضرت‌شایق، خلیل‌الله کاتب وزارت مالیه (که‌شاید استاد خلیلی شاعرمعاصراست) ومحمد سرور درمجله ها و جراید پایتخت اشعاری چا پ‌میشد.منشی علی رضا ی میمنگی اشعار خود را دراتفا ق اسلا م‌هرات‌چا پ‌میکرد. اشعار محمدیوسف‌پنجشیری و میرزا غلا م‌جیلانی سر کا تب‌اداره«ستاره افغان »در ستا ر ه ا فغـــان چاپ میشد وسید میر محسن آقای‌قندهاری اشعار پشتو می سرود و در «طلو ع ا فغان »و «اتحاد مشرقی»چا پ میکرد واز عبدالرحما ن تاجر هراتی اشعاری درانیس واما‌ن‌افغان‌چا پ می‌شد.

ازفرحت شعری در((اتحـــا دمشرقی)) چا پ شده‌است که‌در آن

شاعر همنوایی خودرا با پلانهـا ی‌اصلاحی دولت نشان میدهدو مـی نویسد :

به‌عدالت محبت است مـــرا | به مسا وا ت الفت‌است‌مرا....
تیز فکری به انتظا م و طـن | تیغ بازی و غیر ت است مرا
چون صنایع ترقی ایجاداست | زان جهت ذوق صنعت‌است‌مرا
گشته پربرگ‌وباربا غ و طن | تاکه شوق فلاحت است مرا
ای‌وطن مال وجا ن‌فداکـــردن | پی حفظ تونیت است مرا (۱)

شعرا همراه بامرد م حکو مـــت‌امانی راباشور وشو ق پذیراشدندو شاعری باتخلص حبیب در مخمسی‌بر غزل لسان الغیب حافظ که در امان افغا ن چاپ‌شده‌است ، بـــا‌بهجت وشادمانی به استقبا ل‌نهضت امانی میرود .

شکر خداکه نخل‌مراد م‌ثمرگرفت | باغ امیدخلق‌عجب باروبر گرفت
آخردعای‌خسته‌دلان بین الرگرفت | ساقی بیا که یار زخ‌پرده‌برگرفت

کارچراغ خلو تیا ن با ز در گرفت‌واز روی اختناق وبیداد زمان‌گذشته پرده برمیگیرد ومی نویسد :

هولی که خلق بنده وچون برده‌کرده بود
ترسی که دست‌وپا ی وزبا ن بسته کـــرده‌بود
عیسی دمی خدا بفرستاد وبرگرفت

هرچند دربند اخیر تخلص‌شاعر(حبیب) ذکر شده‌است اما شنا خته نشد که کدا م حبیب بود ه‌است‌بهرصور ت بااندیشه ((حبیب)) دیگـــر شعرا ی این دورنیز موافق‌اند وبازبان ساده وروان وخالی ازهرگو نه تصنع‌وتکلف اصلاحا ت رامی‌ستایندبهترین نمو نه شعر این ده‌سال‌شعر یست‌ازفرحت. م

ساده گی شعر ، ا حسا س‌ملـــی که‌درآن نهفته است وتاییدپلانها ی دولت که‌از هرسطر آن میتا بد این‌شعر را از اشعار نمونه وار مـــی سازد ومادر این جا بیشتر بیت‌های‌آنرا نقل میکنیم :

از خنجر آبدار افغــــا ن | آبست بر و ی‌کار افغــا ن
در وقت غزا ثبا ت وجر ئت | باشد به خدا شعار افـــغان

مردانگی و دلاوری ها — سرمایه افتخار افغان
دیدیم به زور بار ها تافت — سر پنجهٔ باز سار افغان
برتانیه گر فتاد یك چند — در فکر شکست کار افغان
جز یاس نکرد هیچ خرمن — از مزرع کار زار افغان
پوشیده اگر چه بود منکر — آن قایل آشکار افغان
از شان وشرافت وحقوقش — ازعزت و اعتبار افغان
اینك بشنو که دارد اظهار — گشته است چو باز بار افغان
دارم سر دوستی و الفت — با یار وفا شعار افغان
بر تافته نیر سعادت — بر ملت بختیار افغان
تهذیب ز گلبن تمدن — گل ریخته در کنار افغان
از فیض عدالت است امروز — در امن وامان دیار افغان
تیغ قلم و زبان شمشیر — گشته چو دستیار افغان
آزادی ها گذاشته مرهم — اخر بدل فگار افغان...
در کار خود اختیار دارند — کس را چه غرض بکار افغان
مشکل پس از این‌که بازگردد — کس مانع اقتدار افغان
گر بود برادر شش انا دول — ایران شده نیز یار افغان
با روسیه عهد با شرف بست — این دولت هوشیار افغان
امریکه رفیق با صفا یش — جرمن شده دوستدار افغان
ایتالیه و فرانس وژاپون — شد قایل اقتدار افغان ...(۲)

باوصف آنکه در مدت تقریبا۹ سال پیش از این دوره ده‌ساله شعرای سراج الاخبار نمونه های ادبیات جامعه گرا را بوجود آوردند و (ادب فنی) یعنی‌ادبیاتیکه‌مشوق کاروکوشش ،توسعه معارف ورشد صنایع شود واتحاددرمیان مردم ایجاد کند و نهال وطن پرستی راآب دهد ،یعنی به یك‌کلمه ادبیات درخدمت اجتماع کرسی خود را اشغال نمود . امابازهم در اخیر این دوره سوال اینکه به‌چگونه ادبیاتی نیاز مندیم موردبحث قرار گرفت ودر صفحات سال دوم انیس مقاله های زیادی صبورپغمانی ، محمد سرور ،سراج‌الدین حبیب الله طرزی ودیگران یکی به‌پاسخ دیگری نوشتند وبالاخره

بحث به آن انجامید که افغانستان‌تنها به ادبیا ت واقعگرا که ارتقـای مملکت را به‌سو ی اوجها ی‌سعادت‌وآبادی کمك کند نیا ز مندا ست.

دراین دوره کرکتر ها ما سـك‌ابها م وتجر د را از چهره‌کشیدند و باخصو صیت طبقا تی شان به‌میدان‌آمدند نویسنده‌گا ن به دنیای‌درون کرکتر ها دریچه هایی گشو دندو به‌تحلیل هیجا نا ت وافکار قهرمانان پرداختند ودراکثرآثار تاکید بـــــر مشخصا ت ملی حواد ث‌واشخا ص بیشتر شد . مقاله ها ی‌ادبی س .صمیمی که بیشتر آنها طرح دا ــ ستانی شمرده شده میتواند گوا ه‌گفته های با لاست دراین ده سا ل رو ما ن نویسی هم از نظر نیفتـاد‌انیس‌موضو ع رشو ت را به قترا ح گذاشت واز نویسنده‌گا ن خوا ست‌تادرآن مو ضوع رومان‌بنویسند وبه ارتبا ط آن درشماره چهل سال دوم‌این جریده این مطالب رامیخوانیم : ((روما ن نویسی یکی از لذیذترین‌کارهای فن تحریر است ولی بد ــ بختانه اهل قلم ومحرو رین ماکمتر به‌این شعبه تحریر التفا ت نمو ده انداز این است‌که رومانهای غر بی‌درعالم مطبوعا ت‌ماخیلی مقا م‌گرفته است . اداره انیس برای خد مت‌کرد ن در راه این فن مسابقه یی‌را افتتا ح‌میکند ، بدینگونه :

شرو ط مسابقه :

۱ ــ قصه باید در قالب رو ما ن‌ریختگی باشد .

۲ ــ قصه نمبر او ل همان بودکه‌تما م نزا کت های فن تحریر رادارا باشد، مثلا در تحلیل وترسیم‌وقایع‌مبالغه مر غو ب در عین زما ن‌معاشقه یاکدا م ذریعه دیگر که‌قصه‌رامرغوب‌بگرداند محور گر فته شود . تصویر حواد ث قریب الفهم ورقت آورباشدمو ضو ع مر بو ط بیا ید .

۳ ــ حواد ث روما ن در داخـل‌وطن اختیار شود و همچنین افراد آن وطنی باشد .

٤ ــ مشروط است‌که در قصـــه‌مذکور یکی از اسرار و یا طر یقه های عجیب رشوت‌آشکار شود .

٥ــدرا ز ی مو ضو ع‌یکی‌ازصفات‌خوب مسابقه خواهدبود...))

درباره متنی که نقل کردیم این‌نکا ت قابل ذکراست : یکی اینکـه

روما ن های غربی درمطبو عا ت مابازارگرمی داشته است . سخن بر سرترجمه‌هاست که اگر باهـــما ن‌آزادی وآسا ن نگری کارترجمه هـا ادامه می یافت یعنی هرکه هر چه‌بدست می‌آورد ترجمه میکـردد در واقع برادبیا ت وفرهنگ ما تا ثیرآن‌ناگوار وسوء بوده چاره کار رادر آن دیدند که بجایشس رما ن افغانی‌رابگذارند . دیگر، هرگاه مطا بـق شرایط وضع‌شده ، رما ن نو یسی‌در ادبیا ت مابراه می افتاد اسا س خوبی برای‌رمانهای واقعگرا یا نـه‌نهاده میشداما‌مثل‌اینکه این‌ژانرادبی درتاریخ ادبیا ت ماو قت زیاد تر ی کارداشت تابارور شود . تنـــها در سالها ی سه ی‌یکی دونمو نه ازا ن‌درپشتو ودر ی بو جود آمد که متا ـ سفانه بیشتر زیر تاثیر موا زیـــن‌هنری قرو ن وسطی قرار داشت و کمتر پاسخگو ی نیاز مندیها ی‌جامعه آن و قت بود.

در باره وضع آثار ادبی‌روا یتی‌یاد آور ی چند نکته را ضرور ی‌می پندار م .

یکی اینکه در چند سال اخـــیرپژوهش درچگونگی به اصطـلا ح ((داستان نویسی)) در کشورباازرگرمی یافته اسـ ت‌وبه نامهای‌مقدمه بر داستا ن نویسی ،آغاز ین‌جو ـشش های داستان معاصر دری ، پیدا یی داستا ن معاصر دری‌وغیره‌مقاله هایی درمجله ها به‌چاپ‌رسیده است .نویسنده گان مقاله هـا ی‌مذکور به مسابقه برآمده اند کـه اولین داستا ن یا داستانها ی دری‌را پیدا کنند وآن داستانها رانقدو تحلیل نمایند .

حا ل آنکه در ادبیات جهـــا ن‌وافغانستا ن چیز ی‌به نا م داستان نبوده ونیست .

واژه داستان دارای مفهو مـــی‌انتزاعی ومجرد میباشد و مد لول مشخصی که‌قابل بررسی با شـــد‌ندارد. آنچـه وجود دارد به نـــا م های داستان کوتاه ،داستان میانه‌وناو ل یارما ن یاد میشود، که‌هر کدا م ازنگاه تیوری ادبیا ت‌حدودوثغور معینی راحائز است . بنابر آن هر گاه بگوییم «اولین دا ستـــان‌دری)) ازنگاه ادبیا تشنا سی سخن بی‌معنی گفته‌ایم .

دریغا که گاهی دریک کتاب دهها داستان کوتاه وداستان میانه زیر ورومی شود وگویا تحلیل وسنجش میشود بدون آنکه معین شده باشد که آثار به اصطلاح تحلیل شده به کدام ژانر روایتی تعلق دارد. در چنان مورد سوالی به وجود می‌آید که تحلیل ها برکدام معیار ها استوار بوده‌است . هر چند معیار های تکنیکی برای داستان به‌معنای عام کلمه وجود دارد که آثار ادبی روایتی رامتلاز تاریخ مجزا سازد. مگر وقتیکه آثارادبی مشخصی را تحت سنجش بگیریم باید نخست وپیش ازهر کار دیگرژانر اثر رامعین سازیم و بعد آنرا مطابق ارزشنما های همان ژانرادبی بررسی نماییم .سالهامنتقدان ادبی برسر آنکه پدران و پسران تورگینف ومادرگورکی داستان است یارمان بحث‌های داغی‌کرده‌اند .پس پژوهش آثار ادبی‌روایتی زیرعنوان کلی و عام داستان‌نشاندهنده برخوردی غیر علمی به مساله ونگرشی عامیانه میباشد که‌عملا هیچ گرهی را برای خواننده نمی کشاید .

دیگر اینکه بنابر غلبه رمان‌اروپایی بر ذهن فرهنگیان ما ، در نهضت ادبی نیمه اول سدهٔ‌بیستم توجهی هم به رمان نویسی صورت گرفت ، چنانکه اقترا حانیس دراواخر دورهٔ امانی گواه این گفته میباشد واکثر آثاری که‌نگارش یافته به‌عقیده خودنویسنده گان رمان بوده‌است . چنانکه‌عبدالقادر تصویر عبرت،محی‌الدین انیس ، ندای طلبهٔ معارف وعزیزالرحمان فتحی صحنه حیات را رمان وآخرین را رمان‌کوچک نامیده‌اند .

اما بانظرداشت تعداد کرکترها، ساختمان سوژه و حجم‌شماری از نگاشته های نیمه اول قرن‌بیستم‌را داستان میانه باید شمرد و مطابق معیار های همان ژانر ادبی‌باید تحلیل وارزشیابی نمود، مانند: تصویر عبرت ،جهاد اکبر ،شام‌تاریك و صبح روشن،در جستجوی کیمیا ، صحنه حیات، فیروزوغیره .

همچنان شماری داستان‌کوتاه‌است وباید مطابق معیار های داستان کوتاه سنجیده‌شود .

یکی از داستانهای میا نه که‌دردوره امانی نگارش یافته است‌جشن استقلال افغانستان در بولیو یا می‌باشد (۲) . این اثر را صرف‌بخاطر آنکه دفاع‌از سرمایه‌وسیا ست‌خارجی‌دولت امـانـی در آن به روشـنـی انعکاس یافته‌است با تفصیل‌بیشترمعرفی خواهیم نمود .

نـــو یســـنده‌داســتان‌مرتضی احمد خا ن محمد زاییست. معلوم است‌که‌داستان به‌زبان‌انگیسی‌نوشته شده‌است که غلا م نبـــی جلال آبادی مدیر وسر محرر اما ن افغا ن که در (شو رش)سقاءکشته شد یاشاید کدا م غلا م‌نبی‌دیگـــرآنرا ترجمه کرده‌است .کر کتـــر مرکزی داستا ن مرد ثورتمند ی‌است‌بنا م گل احمد وحواد ث چنا نکـه از عنوا ن بر می آید در بو لیویااتفاق می‌افتد .

خلاصه داستا ن چنین‌است :

حکومت بولیویا بر تما م افغانان‌مقیم آن‌کشور فشار می آورد که‌هر چه زودتر خا ک آن کشور را تر ک‌بگو یند . گل ا حمد صا حب فابریکه وما ل وملك فراوانیست وباتعداد ی‌ازافغانا ن مقیم بو لیویا زنده گـی خو شی راسپری میکند . وی‌عاشق‌دختر یست ازاهل آنکشور و بـه مناسبت ودا ع بامعشوقه اش‌دعوت‌مجللی ترتیب میدهد ومیخوا هد در آن‌دعو ت عشق خودرا بوی اظهـارکند واورابرای همیش پد رودبگوید. اتفاقادرجریا ن محفل گا هیکه‌سخن‌از ودا ع تلخ‌ابد ی میرود گل احمد اطلاع می‌یابد که نماینده سیا سی‌افغانستا ن وارد بولیویا شده است وقرار است‌بین آن دو کشورروابطسیاسی قایم شود. گل‌احمد بدیدار نماینده افغانستا ن می شتا بد وازوی‌خواهش میکند که از حکو مت بولیو یا تقا ضا نماید تاباافغانان‌مقیم آن کشور نیز مانند اتبا ع‌دیگر کشور های دوسه ت‌رفتارکـــنند وبرا یشان اجا زه‌نامه اقامت بدهند. این مشکل به‌کمك نما ینده‌افغانستان‌حل میشود و گل احمد وافغا نا ن دیگرروزی بیرو ن شهر باشادمانی‌جشن استقلال کشور شانرا برگزار می‌کنند .

دراین داستان میانه تا بیدی ازسیاست خارجی دو لت نهفته اســـت که افغانا ن خار ج کشور را از بی‌پناهی وزبو نی نجا ت مید هـــــد مخصوصاً نجا ت ملیونها دالرثروت‌گل احمد افغا ن قابل توجه است. درآن اثر از منا فع سر مایدارحمایت‌میشود کـــــــــه د ر حـــــــال رشدبود ودرحا ل پیکار باملاك وارزش های نظا م ملاکی.((لوحهٔوفا)) دا ستا ن کو تاهیست که در این‌دورهٔ ده‌ساله نوشته شده واز نگاه طر ح بیانگر رشد نسبی هنر دا ســـتـــان‌نویسی درافغانستا ن وآشنا یـــی نویسنده با داستا ن هنری اروپا بیست وازنگاه مو ضو ع بیشر فت ذهنی جامعه افغانی رابه‌مر حله‌بالا تر ی‌نشا ن میدهد . نویسنــــــــده ((لوحه وفا)) میر غلا م حضـــــر ت‌شایق‌شاعر است که گاه‌گا هی بــه قصه نویسی ونگارش مقاله ها ی‌انتقاد ی و نا مه ها ی طنزآمیـــزو فکاهی پرداخته است نکته مهم درداستا ن((لوحه وفا)) آنست که‌بر خلاف پندار منفی که‌در باره ز ن ازسده‌ها ی دور در ذهن افراد جا معه ماوجود داشت به صور ت بی‌سابقه‌زن چون نماد بیو فایی و فریب نه بلکه چو ن سیما ی و فا و استوار ی به پیما ن زناشو هری در قصـــــه ظاهر میشود .

نم داستا ن حسد است وخلاصه‌آن چنین که مرد زشت رو ی‌وزشت خو یی ز ن مهر بانی دارد که‌اورابا همه ن ار زش ها ی جا معه شرقی وافغانی مو لای خود ومحبو ب‌خودواختیا ر دار همه زنده‌گی خـــود میداند .

مگر مرد به پندار آنکه زنشـــ‌جز و ی به کسی دیگر نیز نظــــر دارد روزها رنج میکشد وگاه‌بیگاه‌بخانه سرمی زند تا زن راغافلگیر کنید روزی ازروزها که زن درتنهایی با تصویر همسر کج اند یشی غم های خودرا درمیا ن گذا شــــته‌است، از او سبب کج خلقی‌هایش رامی پرسد وبه او ازعشق وآرزوهای خود سخن میگوید ،مردپنهانی وارد خانه می‌شود وبه‌تصورانکه‌زن‌را باسند خیانت گرفتار کرده‌است تفنگچه رابه پشت وی آتش‌میکند.زن درمیا ن خاك وخو ن می‌افتد .

مرد م جمع میشوند .وآنگاه کـــه پلیس دست های قاتل رامی‌بندد‌تا بد‌ا د ه‌گا ه ببرد زن مجر وح‌درآخرین‌لحظه ها ی حیا ت با نجو ا خوا هش میکند‌که همسر ش رانیـــاز ارندودست از او بدارند البته دربو جود آمد ن چنین پر سونا ژی‌تبلیغا ت‌سرا ج الاخبار به‌سود حقو ق‌زنان و نشریه «ارشادا لنسوا ن)وگشا یش مکاتب دختران و فرستاد ن شما ن به‌خار ج برای تحصیل ودیگرگامها ی اصـــلاحی به این سمـــت بی تاثیر نبوده است. ((لو حـــه‌وفا))که در خط فا صل افسا نه و دا ستا ن کو تا ه بیشتر به ســوی‌دا ستا ن کو تا ه می لغزدهنو زخامی هایی دارد . مثلاهر چند روا ن پرسوناژ هاگشوده میشود اما سیمای هر پر سونا ژخو ب روشن‌نیست‌زما ن ومکا ن وحواد ث دستکار ی هایی کار دارد تا داستان ازهیکل‌یك طر ح خارج‌شود . در بیـــا ن داستا ن ازنظم ونثر کار گر فته‌شده‌اس ت‌که هر دو چنا نکه‌شیوه شایق بود ساده ومو ثراست .

این نکته ها راهم باید زیاد کرد‌که‌نقش نظم دراین داستا ن مانند نثر ها ی‌قدیمی تاکید مطا لـــب‌گذشته نیست ، بل‌که هریك‌به‌نو- بت بخشی از داستا ن را افاده می‌کند وروش توصیف جای هـــا و حواد ث‌واشخا ص بیشتر به متودواقعگرایی نزدیك است. (٤)

تا نیمه این دو ر ه حکو مت اما نـــی‌مصرو ف‌تثبیت مو قف سیا سی مملکت درجها ن خار ج‌وتنظیم قوه‌های اجراییه مقننه وقضا ئیه بودو بنابر ضرور ت مبر می که‌به کادرملی احساس میشد در کارگسترش تعلیم وتربیه وتاسیس مکا تـــب‌تلاش زیاد کرد اما درسا لهای‌اخیر بنابر آنکه وضع قوانین منا فع‌کسا نی راکه نفو ذ و قدر ت اجتماعی داشتند متضرر می‌ساخت ناآرامی‌هایی در کشور بو جود آمد ، کـــه دو لت راسخت مصرو ف ساخـــت‌وبنابرا ن به ادبیا ت توجـــه لا زم نشد . نه دیوان شعر ی چاپ‌شد‌نه‌اتحادیه وانجمنی از شعر او نو - یسنده‌گا ن بوجود آمد . در حالیکه‌دربار باداشتن وسایل کا فی‌تبلیغ در ا ختیار خود به شعراحساس‌نیاز مندی‌نمی‌کرد، خارج‌دربار نیز زمینه

جمع‌شد ن شعرا ونو یسنده‌گا ن‌چیده نشد وبنا بر آن ادبیا ت به تناسب دیگر مظاهر فر هنگی‌رشد نکرد ودرسطح ستایشگر سا ده اصلاحا ت باقی ماند .

موسیقی : تمایلات ملی(اخوا ن‌افغان) د رتما م وجوه فرهنگ‌کشور نقش خود را گذاشت و مخصوصاپیکار با استعمار که احسا سا ت ملی مرد م مارا آبیاری کرد و ملت‌را یك پارچه ومتحد ساخت با عث آن شد که در مرز موسیقی نیـــزدرفش آزادی به اهتزا ز در آیدو این هنر نیزبه نوبت خود درخدمت‌دگرگون سازی زنده‌گی بیفتد .

دراین دوره که تسلط مو سیقی‌کلاسیك هند ادامه می یافت استاد قاسم بنای مکتبی رانهاد که پا یه‌های آن ترانه و غزل راگ وراگنی بود . راگ باغز ل می آمیخت وهرمقا م به وقت خا صی پیوندداشت وچو ن تعهدی در برابر اجتما عش‌احسا س می کرد و بامو سیقـــی خالص نمیتوا نست پیا مش رابه‌گوش شنو نده برساند ، بنا بر ان از شعر کمك میگرفت و به شعـرار ج بیشتر م ی‌نهاد و حتی بـــا پیروی از سنت کهن شعر در ی‌ازلطف و حلاو ت بدیهه سرا یـــی استفاده میکرد . خواننده می‌بایست‌به وقت پناه ببرد وبا خوا نـــد ن متوالی ودراز مد ت ازیك سوءتسلط‌خود را برپیچ‌وخم شعر واو از نشان دهد ، حاکمیت خودرا بر حنـجره،بنما ید واز سو ی دیگر به کمـــك مخیله شنونده دنیا های نوی‌بسازدوشنونده رادرا ن قرار دهد وبعداو رابگذارد که درا ن دنیا ها ازفضای‌ساخته آواز خوا ن لذت‌بگیرد .

این موسیقی دیگر مو سیقـــی‌هندنبود باآنکه از ریشه آن روییده بود مو سیقی افغا نی بود واستادقاسم آنرا موسیقی افغا نی‌مینامید.

استاد قاسم فر زند استادستارجو درسا ل ۱۱۶۲ تولد یافت . در آغاز شاگر دپدرخود بود واز محضردرس استاد قربانعلی نیز استفاده کرد و بعد یکی ازشاگر دا ن برا‌زنده پیاراخا ن هندی بشمار مـی رفت ودر آواز خوانی هم‌در اوایل‌از او پیروی میکرد اما و قتیکه به پختگی رسید بنای طرز خا صی رانهاد که به طرز قاسم مشهوراست.

استاد قاسم بیست ساله بودکه بدربار امیر عبدالرحما ن راه‌یا فت وامیر به ربابی که قاسم می‌نواخت‌ساعتها به شیدا یی گوش میداد. می گو یند یك رباب صد ف‌نشان‌طور بخشش به وی داده بود. در بیست‌ویك سالگی آواز خوان بز م‌های سر دار نصرالله شـــد و بیست‌وپنج ساله بودکه سرا ج ـالمله والدین امیر حبیب‌الله اورا چون خواننده دربار پذیرفت . امیربه بیدل علاقه فراوا ن داشت و امر کرده‌بود که در حضور او بجزشعربید ل خوانده نشود واستا قا سم نیز از ارادتمندا ن بید ل وازعا شقان وفادار سخن ابوالمعا نی‌بود. هنر استاد قاسم تنها دردوره‌نهضت‌اماني به مسیر شایسته افتـــاد و حنجره او صدا ی مرد م راسرداد.استاد قاسم نخستین ترانه‌استقلال راخواند وشعر :

مکتب ماست جای استقـلا ل   سبق مـــا هوای استقـلا ل

به آواز ترو گوش نشین او وباطرز یکه خود ش سا خته بود بعداز پیروزی افغانستا ن در پیکار آزادی‌بخش سا ل ۱۹۱۹ بار ها دربز م ماطنین انداخت . استاد قا ســم‌به وسعت وعمق احساس همه‌مردم ما بااستعما ر کینه می ور زید وآزادی رادوست داشت.

زما نیکه دا بس بر یا ست هیئت‌انگلیسی برای مذاکرا ت صلح به افغانستا ن آمد و هنوزکه‌مذاکرات‌به‌نتیجه یی نه انجامیده بود شبی در دربار بز می آراسته بودنـــد واستاد قاسم آواز خوا ن بز م‌بود . دابس باوی سر صحبت را کشودوپرسید که استاد کـــدا م آ لا ت موسیقی را نواخته می تواننـــد .استاد قاسم گفت : تقریبا همـــه دابس پرسید : پیانو را هم‌نواخته‌می توانید ؟ استاد قاسم‌پاسخ‌مثبت داد. سپس از استاد قا سم خوا هش کردکه یکی از آهنگ ها ی نو خود رابه وی یاد بد هد .استادقاسم که‌مرد ی د ل آگاه بودآهنگی را سرکرد و دابس هم شاگردا نه‌از او متابعت میکرد تاآنکه دفعتاً متوجه شد که ترانه استقلال رامی‌خواند . مجا ل خود داری نبـود . دابس قبل ازآنکه به صورت‌رسمی‌استقلال افغانستا ن را به رسمیت

بشناسد وقرار داد صلح را امضاءکند ترانه استقلال افغا نستا ن را هم آواز با استاد قاسم تا آخـــرخواند .

استاد قاسم در دربار امیرامان الله به حیث استاد موسیقی مـقرر شده‌بود .وبه اخذ دونشا ن‌الماس‌وطلابه نامها ی نشا ن (مسر ت)و (یادگار استقلال) سر افرازشد.

اعلیحضر ت امیراما ن الله بـه‌استاد قاسم لقب های (استادقاسم افغان)و (آفتا ب موسیقی) عطاءکـــرد .

چهره تابنا ك دیگری که در آن‌دوره بعداز استاد قاسم جلب‌تو جه میکند استاد غلا م حسین است .اورا تقریبا قطب مقابل قاسم مـــی شناسند به اعتبا رآنکه وی بـــه‌موسیقی خالص بدو ن مداخله‌وسهم شعر ارزش بیشتر می گذا شت وهمیش در تلاش تا ز ه گـی بود و بیشتر درمدار س و کودکستا نهااز هنر ش برای پرورش ذو ق و استعداد کود کا ن کار می‌گرفت.

در آخر های این دو ر ه در مکتب‌موزیك محمود آقا ی ایرا نی که از طر ف وزار ت حربیه استخـــدا م‌شده بود مو زیك غر بی راتدریس کرد واین آغا ز ورود مو سیقـــی‌غربی در افغانستا ن بود .

نقاشی : در هنر نقاشی این‌دوره‌آمیزشی ازنقا شی غر بی وشیوه ها ی شرقی دیده میشود وبعضی‌ازنقاشا ن در عین حا ل بهر دو ـ روش آثار ی بوجود آورده اند .واین آمیزش البته بیشتر در مکتب رسا می آنو قت صور ت گر فتـه‌است . پروفیسور غلا م محمد که در آغاز به مینا تور علاقمند بـودبعد از تحصیل در اروپا به شیوه ها ی ار و پا یی تما یل بیشترداشت‌ووی در مکتب رسا می شا گر دان زیاد ی تر بیه کرد . و همچـــنان‌استاد برشنا درســـا ل ۱۹۲۶ تحصیلات خود را دراکاد می هنـرها ی ز یبا ی بر لین ، میو نیـــخ ولایپزیگ تما م کرده به و طن‌آمدوبه کار تد ریس پردا خـــت .در پهلوی آنا ن خلیفه علی احمدنقاش‌پسر محمد حسن شاگرد میرحسا م الدین درنقاشی میناتور استاد بودوشاگردا ن زیاد ی‌تربیه کرد ومیر حسا م‌الدین نقا ش که اصـــلا ازغزنی بود وبعدا درکابل بودو باش

داشت باستفاده از رنگهای طبیعی مینا تور ها ی ز یبا به و جودمی آورد. وی در تذهیب کتب ونقا شی با لای قلم دا ن . مهار ت زیادی داشت ر.ز قلم دا نها ی او یکــی دو تا درموزهٔ کابل نگهداری میشود .خلیفه محمد حیدر نقا ش بر علاوه نقاشی از معلمین اطریشی که در زمــــان جنگ اول جهانی به افغا نســـتان آمده بودند پیکره سا زی را آموخت. در مکتب رسا می نما یـنـد گـا ن نقاشی شر قی وغربی شا گردا ن را با تما یلات دو گا نه پرورشـــ میداد ند .

نبرد نقاشی اروپا یی با هنرها ی تذهیب وتزیین قلم دانها ومیناتور اصیل افغانی درهمین دوره به وجود آمد که درسالها ی بعد پر چـــم پیروزی بدست نقاشی های اروپایی افتاد.

استاد مسلم وبی رقیب این دوره پروفیسر غلا م محمد است کـــه از جمله اعضا ی فعا ل سا زمــــــان (اخوان افغا ن) بود . پروفیسر غلام محمد درسا ل ۱۲۵۲ در شهرمیمنه به دنیا آمد . وی پسر عبدالبا قی بود که در عهد امیرعبدالر حمن به جر م پشتیبا نی از سر دار محمـد اسحق به کابل آورده شدو اعدا م گردید . املاکش ضبط شد وخا ـ نواده اش تحت نظار ت در کا بل بسر میبرد ند و با جیره پیکه دو لت میداد ادرار حیا ت می کردند .

امیر عبدالر حمن استاد محمد اعظم ابکم نقا ش دربار را مو ظف ساخته بود تا با میر حسام الد ین نقا ش ویکنفر طبیب انگلیســی موسو م به جا ن گر ی که درد ربار استخدا م شده بود غلا م بچه ها را نقاشی ومیناتور بیا مو زند کـــه غلا م محمد نیز در شمار شاگردان شا ن بود . سپس درعهد سرا ج الملة والدین به (جمعیت سری ملی) داخل شد ودرسا ل ۱۹۰۹ که عریضه مشروطه خواها ن را به جلال آباد به حضور شاه برد به امر امیر زندانی شد ودوسا ل درزندا ن بود. درسال ۱۹۲۱ به ار و پا غر ض تحصیل اعزام گردید وبعد از ختم تحصیـــل در المان به و طن بر گشت ومدیر مکتب رسامی مقرر شد ودر سا ل ۱۹۲۸ زمانیکه اعلیحضر ت امان الله درسفر اروپا بود وکیل سلطنت بنابر خد م ت صادقانه اش نشان ((ستور)) بوی داد. پروفیسور غلا م محمـــد

بشیوه غربی نقاشی میکرد . وی به عمر ٦٢ ساله درسال ١٣١٤ در گذشت.

سینما وتیاتر :

این دو هنر نیز در این دهه تا بنای فرهنگ کشور ما از نظر نیفتاد سینما در کابل در سال ١٣٠٣ در قصر سلامخانه شاهی عصر امیر عبدالرحمان با نمایش فلم های صامت آغاز یافت وسالی بعداز آن درپغمان بنای سینمای دیگری گذاشته شد .سینمای گویا ننهادرسال ١٣٠١ در کشور ما راهش راکشود .

حکومت امانی نقش تیاتررادرروشن ساختن اذهان مردم مهم می پنداشت وشخصی اعلیحضرت امان الله در نخستین سالهای سلطنت درامه نویشته تا سیس تیاتر افتاد . نخستین درامیکه به نمایش گذاشته شد ((شهزاده جاوا)) نام داشت که مترجم آن بدری بیگ قانون دان ترکی بود. که به حیث مشاور قانون درشورای دولت استخدام شده بود . نویسنده درام متاسفانه معلوم نیست .

موضوع درام عشق شهزاده جاواست با دختری هالندی که تمام ثورتهای کشورش را بر سر آن عشق میگذارد ، وسر انجام مردم از وی متنفر میشوند واو برای شکستاندن مخالفت روشنفکران خشمگین ونارا ضی از زنجیر وزندان کار می گیرد . تاآنکه روزی دربرابر پاسخ های تکاندهنده منصور مدیر اخبار که با غل و زنجیر دربرابرش قرار دارد به لغزش های خود اعتراف میکند و شیشه زهر را می نوشد .

درام مذکور بارو حیه آن زمانی مردم ما که تازه آزادی خود را به دست آورده بودند و هنوز زخم های وابستگی وجنگ در پیکر شان خشک نشده بود ساز گاری شایسته یی داشت وبرای زنده نهگداشتن روحیه ضد استعماری و آزادگی فوق العاده کارگربود .

برای تمثیل درام به تشویق شاه از اهل دربار و خدمتگاران حواشی آن نیز استفاده میشد .

و قصر های شاهی برای نمایش تخصیص می یافت و حتی زیورات ملکه در اختیار ممثلین قرار میگرفت .

نخستین درا م را شخص امیـرامان الله مطالعه کرد و آنرا یك‌درام آمو ز نده و مهیج ود جتماعی داشته‌وتمثیلش را سود مند شمرد . در نکار ش ،ترجمه وتمثیل نمایش‌نامه ها این اشخا ص سهیم‌بودند :

محمد فر خ افندی
محمد سرور گویا اعتماد ی
مولو ی غلا م محمد
عبدالغیا ث از ملتز مین رکاب‌شاه
حسن جا ن ضیایی پسر عمو ی‌شاه
میر محمد کاظم هاشمی
صلاح‌الد ین سلجو قی
حافظ نور محمد کهگدا ی
فیض محمد ذکریا
علی افند ی مهند س آذربایجانی
بدری بیگ قانون دان تر کی
عبدالعزیز ناصری
نور محمد
علی محمد
محمد سرور صبا
میرزا عبدالله طویل
محمد اکرم ...(٥)

درسا ل های چهار م جشـــــن‌استر داد استقلا ل درام فتح‌اندلس توسط متعلمین مکتب به‌کمك‌معلمین‌تر ک در پغما ن نمایش داده شد . این درا م چهار پرده یی آخریـــن‌نمایشنامه یی بود که در این دوره دهساله روی صحنه آمد و آخرین‌بار در (دوره سقوی) در سو مین شب جشن استقلال در قصـــــــرسلامخانه ستور نمایش داده‌شد(٦)

هنر تمثیل در این دو ر ه دهساله بیشتر برا ی زنده نگا هدا شتـن روحیه و طن پرستی ، آزادی‌دوستی‌ورزمنده‌گی بر ضد هر نو ع‌مداخله خارجی در کار مملکت به کار مـی‌رفت وبیشتر نمایشنا مه ها یکه روی صحنه آمد از این دست بود.

دیگر نمایشنامه هاییکه در دوره‌امانی نگاشته به نمایش گذاشته‌شد عبارت است از: محاربه تل، پسری‌که به اروپا میرود، مسابقه خواب و بیداری، صحبت های اخلاقی، بچهٔ‌بی‌پدر ، تربیه‌پدر، علم‌وجهل‌وغیره.

نویسنده‌گان اکثر نمایشنامه های‌مذکور معلوم نیست .

موضوع نمایشنامه هااز اصلاحات‌دوره امانی گزیده‌شده‌بود ونویسنده بر نقش آموزش وپرورش درزنده‌گی‌تا کیـد مینمود یا وطـن دوستی را تبلیغ میکرد ویا شیوه زیست وتفکرعصر نهضت امانـی را بـــرجسته میساخت .

یاد داشت ها :

۱ ـ اتحاد مشرقی ، ۱۵ میزان، ۱۳۰۰

۲ ـ امان افغان ، شمارهٔ ۴۸ ، سا ل او ل (۱۶ جوزای ۱۳۰۰)

۳ ـ امان افغان ، شماره ٤۷ ، سا ل ۸

٤ ـ امان افغا ن ، شماره ها ی ۵۱ و ۵۲ سا ل نهم

۵ ـ غلا م حضر ت کوشا ن ، هنر تمثیل د رافغانستا ن، مطبعه دولتی ، ص ٤۸ تا ٦٤

٦ ـ تمثال فتح اند لس درشب چها ر شــــنبه ، حبیــــب الاسلا م ، شماره های ۲۵ و ۲٦ سال او ل (۱۳۰۸ هـ. ش)

شماره ۳۴۷ دولتی مطبعه